

زنده باد  
آزادی

# ایران در عزای ملی

سینه‌بند زنده‌ی درخشان خورشید زنده‌ی خورشید  
پیشانی‌بزم برآید سر صبح زنده‌ی خورشید

ایران در عزاست. درفش‌های آزادی و داندنیم افراشته، کوجه‌ها خاموش و خانه‌ها برشیسون. شهیدان بی گفن در خاک، شهیدان بی گفن در راه. شهیدان زنده پای جوبه‌دار و سینه‌دیوار. تکرگ تیروفزاره خون، پشت هر جوار. بقچه‌ای لباس و بسته‌ای یادگار، ونا مه‌ای کوتاه: "اشکب مسارا می برند. گروه‌گروه. گروهی امروز و گروهی فردا. همه را می‌برند."  
تا مه‌ها کوتاه است: "ما در مرابخش کهرنخت دادم، آخرین خواهش ما این است که زاری مکن، خودت را نشکن، چشمپایت را می بوسم، خدا حافظ." و دیگری: "ما در، خاطره‌ام را به تومی سپارم. نگذاری دل کوچکش بشکند. وقتی که بزرگ شده‌ا و همه چیز را بگو. بگو که پدرت آدم مرگ به یادت بود و کونه‌ات را بر لبان خویش می فشرد." و دیگری: "عزیزم، همسرم، خدا حافظ. عشقمان جاویدان است. تا پای دیوار کنار من خواهی بود. غمت را کم کن. معالجات را دنبال کن. سینه‌دردت را می‌گویم. ایران کوجولویمان را آوازیا دیده. دایه‌دایه و مرا بیوس را حتما یا دش بده. و جریک بپریه ملک شه زنده‌ی تو چه می‌توانست بگوید جز اینکه: "با زهم می‌گویم بلکه! عشق بزرگترین بیمان است. آینه‌نگان حرف ما را بهتر می‌فهمند." و معلم، آن کارگرسا لخورده‌سرنا س همه زنده‌ی تو، چه می‌توانست بگوید جز این که درست مثل مسیح، وقتی که "بچه‌ها" را می‌بردند پای دیوار مواظب باشند تا کسی سرما نخورد، تا کسی لبخندی بزند، تا هر کسی اندکی از غم پدرش را با "پیرمرد" خودشان تقسیم کنند.  
ایران در عزاست. قلب‌ها و قلب‌ها می‌گیرند و کا غذا و پیاها در اشک و خون برپری می‌زنند. روز عزای ملی. روزی که از آن همه مردم است: با هر اندیشه و هر عقیده و هر مراسم. رگ‌های زندگی به تیغ ایللیسان زمان گسست و خون‌ها در هم جوشید و همه آ میخت و جویباری شد بگانه، تا نشانه‌مناقی باشد برای همیشه. تا آغا زبانی‌ها باشد این عزاهای مکرر را.

عظمت عزا هنوز به تمام می‌نمایان نشده است. کاروان شهیدان هنوز در راه است. هر روز شمار تا زهای بران سوه‌ها می‌ها شناخته شده افزوده می‌شود. هر یک از زمان‌های سیاسی، هر روز شهیدان تا زهای را اعلام می‌کنند. می‌توان گفت از زندگان اسیر کمترخیری است. چه کسانی هنوز از دم تیغ در خیمه‌ها بگذشتند؟ هیچ معلوم نیست. سازمان‌های سیاسی و خانه‌های زنده‌ی فدائیان از همه‌جا جدا حه اطلاع موثقی ندارند. سازمان‌ها و جمعیت‌های سینا لمللی را نیز به زندان‌ها راه نمی‌دهند. بیست درهای بسته فقط کشتار بی‌مان ادامه دارد.  
- است چیست؟  
- سر موضع هستی؟  
- حاضری تسلیم شوی و به ما خدمت کنی؟  
- حاضری در تیرباران و اعدام ما برین شرکت کنی؟

اینها سئوالاتی است که هیات مسئول از طرف خمینی، که به منظور سازماندهی کشتار جمعی زنده‌ی فدائیان به زندان‌ها اعزام شده است می‌کند. محاکمه‌ای در کار نیست. صدور قیلم حکم، یا اتمام محکومیت، یا عدم بررسی پرونده مفهومی ندارد. کسی که به پرسش‌های فوق پاسخ‌های مطلوب جملاد جمان را ندهد، بی درنگ به مرگ محکوم می‌شود. زنده‌ی فدائیان را گروه‌گروه، به جوخه‌ها اعدام می‌سپارند، یا به دار می‌آویزند. کشتگان را غرق به خون و بی گفن در گورهای جیمی کم عمق دفن می‌کنند. معمولا بقچه‌لباس و پیا دکا رها و احیاناً وصیت‌نامه شهید بدون هر توضیحی به بستگان او داده می‌شود و مواد که بستگان و عزیزان معترض را با زداشت و تکتخه و به مرگ شهید کرده‌اند. بقیه در صفحه ۴

**شهادت جانگداز فدائیان قهرمان، رفقا صمد اسلامی عضو کمیته مرکزی، محمد حسن دیانک شوری عضو مشاور کمیته مرکزی، حمید منتظری عضو مشاور کمیته مرکزی، رفیق محمود حسن پور فدایی شهیر و رفیق احمد تقیانی فدایی پاکباز بهمراه بیش از ۷۰ تن دیگر از کادرها و اعضای رزمنده و جانباز سازمان**

کادرهای خویش را از دست داد. صمد در سال ۱۳۳۳ در خانواده‌ای زحمتکش در یکی از محلات فقیرنشین تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز گذراند و در سال ۵۲ وارد دانشگاه علم و صنعت گردید. او که از اولین فعالین جنبش دانشجویی تبدیل شد. در سال ۵۴ مسئولیت گروهی از انقلابیون را به عهده داشت. گروه تحت رهبری او که به مطالبه آزارها را راکستی و تکثیر دستی و بیخ‌آن می‌پرداخت، نقش فعالی در حرکات دانشجویی داشت. گروه توسط صمد مسلح شده بود. بقیه در صفحه ۹

تصمیمات اخیر اینک	ص ۹
شوراهای اسلامی کار باید لغو شوند	ص ۵
محکومیت جنایات رژیم در سازمان ملل	ص ۱۲
در این شماره	
یادنامه رفقای شهید	ص ۳
مصاحبه با رفیق عزیز محمد	ص ۱۰

خطابه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
برای متوقف کردن سیل خون در ایران  
فریادرس می‌خواهیم ص ۶

بخاطر نجات اسیران، بخاطر آزادی متحد شویم!

فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی ایران یکی از هولناک‌ترین شهکاری‌های فاشیستی در دوران معاصر است. زندانیانی که هنوز محاکمه نشده‌اند بودند، زندانیانی که مدت‌ها بودند در محکومیتشان سیری شده بود، با زداشت‌شدن آن‌ها که توسط شکارچیان مرگ اسیر شده بودند، زندانیانی که قهرمان دفاع آزادی و منافع مردم و دستار ه مقاومت در مسلح‌های دور زیم بودند، همه یساران عزیز که از هر زمان سیاسی می‌شناختیم، همه فرزندان اسیر ایران را از خون‌های شهکارسار قتل عام کردند.  
جنایت هولناکی که در زندان‌های کشتور صورت گرفت، در کارنامه‌ی جنایت‌ها را این رژیم سیاه‌ترین فصل است. آنچه که در ماه‌های اخیر شاهد آن بودیم، آشکارترین مظا هر دشمنی سبانه رژیم مردم، با اهداف ترقی‌خواهانه انقلاب بهمین و در یک کلام دشمنی آشفتنی تا پذیرا همه آن چیز است که در عرف ملی و بین‌المللی، حقوق بشر صورت می‌شود.

قریباً نیمی از رژیم چه کسانی هستند؟ رهبران، کادرها و اعضای سازمان ما، رهبران و کادرهای برجسته حزب توده ایران، رهبران و کادرهای سازمان فدائیان خلق ایران (پروپوزیته ۱۶ آذر)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر)، نیروهای سازمان چریک‌های فدایی خلق، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان زحمتکشان کردستان ایران (کومله) و از توده‌های سازمان مجاهدین خلق ایران، همچنین تا آنجا که آشکار شده است، عده‌ای از روحانیون و ۳۰ تن از هواخواهان مهدی‌ها شامی نیز در شمار قربانیان جنایت اخیر رژیم خمینی قرار دارند.  
بخش اعظم قربانیان رژیم، از بزرگترین نیروهای مدافع اهداف مردمی و ترقی‌خواهانه انقلاب مردم ایران بودند که از موضع توده‌های وسیع مردم در راه تحقق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در کشور بیکار می‌گردیدند.

این قتل عام فحیح که از ماهیت ضد مردمی و خونخوارانه است، استبداد حاکم سرچشمه می‌گیرد، بر زمین‌های شدیدتفا‌دهای درونی رژیم و وضع بحرانی آن صورت گرفته است. مطالعه وضع سیاسی کشور در ماه‌های پس از قطع جنگ نیز شواهد شگفتی در تائید این حکم به دست می‌دهد.  
با اعلام آتش‌بس و آغاز مذاکرات صلح میان دو رژیم ایران و عراق، موضوع با زسی اقتصادی کشور در دستور روز قرار گرفت. بر زمین ضرورت با زسی که بنا به ماهیت خود با منافع گروه‌های اجتماعیی بزرگ، و در مقیاس کشور و جهان، خواه‌ناخواه در ارتباط قرار می‌گیرد، تضاد میان جناح‌های حاکم رویه‌رشد گذاشت. جناح رفسنجانی که از حمایت‌های و پشتیبانی پنهان و آشکار خمینی برخوردار است، به‌مساله با زسی اقتصادی کشور از طریق تکیه بر آزادی بیش از پیش فعالیت بخش خصوصی و حضور فعال انحصارات امپریالیستی در حیات اقتصادی بقیه در صفحه ۲

**شهادت دکتر سامی بدست تبهکاران**  
بنا به گزارش خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی دکتر کاظم سامی، روز چهارشنبه دوم آذرماه در مطب خود مورد سوء قصد قرار گرفت، به شدت مجروح شد و در اثر جراحات وارده در روز بعد درگذشت. دکتر سامی رهبر "جاما" (جنبش انقلابی مسلمانان ایران) بود که در مبارزه علیه رژیم شاه شکل گرفت. "جاما که معتقد به استقرار شورا‌های منتخب خلقی بود، در سال‌های اول پس از انقلاب فعال بود. اما فعالیت قانونی آن دیگری نپا شد و هم‌اکنون دیگر جمعیت‌ها، سازمان‌ها و اجزای مترقی و آزادیخواه کشور توسط رژیم آزادی‌کش خمینی غیر قانونی گردید. دکتر سامی در سال‌های اخیر، فعالیت سیاسی‌اش را عمدتاً در رابطه با نهضت آزادی ادامه داد. او از جمله افرادی بود بقیه در صفحه ۲

**بخاطر نجات... بقیه از صفحه اول**

کشور توجه نشان داده و می دهند. موسوی نخست وزیر به همراه بخشی از شخصیت های بانفوذ جمهوری اسلامی نظیر محتشمی و خوشبینی ها، به موضوع بازسازی از نگاه متناقض بخت دولتی، لزوم نظارت دولت بر سر فعالیت بخش خصوصی و ایجاد موانع بر سر راه آن نفوذ انحصارات امپریالیستی نزدیک شده اند. شواهدی که حاکی از آن است که هیئت منورنی با بازسازی کشور، از سمت گیری های پراوردنا کید قرار می دهد که جناح رفسنجانی طالب آئینده و در همین رابطه بود که خمینی طی نامه ای خطاب به نخست وزیر، از او خواست تا اصول ویست با بازسازی راکه "هیئت بازسازی کشور" به دولت ابلاغ می کند، درصدد برنآهده های خود قرار دهد. امتناع موسوی از عمل به سیاست های تعیین شده تا آنجا بود که ۵۰ تن از نمایندگان مجلس به دولت موسوی که حافظیت خط مشورای سیاست گزاری را می بخواد، در مسأله تذکرات دادند.

شایعاتی که در کشور پیرامون استعفا ی موسوی بر سر زبان ها افتاد نیز از جمله از همین جانشان گرفت. در همین حال برزویه ضرورت بازسازی اقتصادی کشور موضوع رفرم های سیاسی و اجتماعی نیز در محافل جامعه قوت گرفت. این رفرم ها تنها آنجا شکار شده، وجهت داشته است. جهست اول متوجه تعدیل برخی تحمیلات مذهبی در زندگی فردی و اجتماعی در کشور بوده است. به طور کلی می توان گفت که سمت اصلی متوجه تعدیل قشری گری در سیاست گزاری های هیات جامعه بوده است که از یک سو با تمایلات ارتجاعی ترین محافظان رواج نیات جامعه تقابل قرار دارد و از سوی دیگر با علاقی عناصر تحصیل کرده و دارای تخصص در راستای ایجاد محیط مناسب زندگی و کار برای این گروه اجتماعی و دمسازی و انطباق دارد. چنان که می توانیم در نیم درعمل نیز برخی تعدیل ها صورت گرفته است. به طور مثال هم در زمینه تحمیل حجاب بر زنان و شرکت آنان در فعالیت های اجتماعی و هم در زمینه فعالیت دست اندرکاران هنر سینما و موسیقی، محدودیت های اولیه تعدیل شده اند.

اما مسأله مرکزی جوتگی رفرم های سیاسی ضرورت بازسازی اقتصادی، این رفرم ها را تا حدی با مبارزه "قدرت" که همچنان جناح های جامعه را درگیرند، در پیوند قرار می دهد. تضاد دی که هم در زمینه ولایت فقیه با الزامات رفرم ها دیده می دارد برحسب سیاست این گونه رفرم ها دان می زند. چاره به محال تحقق رفرم های این دست، اگر بخواد نقشه های وسیع تری از سوسوروزی را در سیاست گزاری ها شریک کند، بدون تحدید سیطره روحانیت است. به ما به یک تضاد اجتماعی در حکومت احزاب و گروه های سیاسی "فعالیت" تضاد منازعات جناحی های جامعه کشود.

آیت الله منتظری که شکار را از سوی جناح رفسنجانی که از حمایت خمینی و خاندان برخوردار است، موقعیتش تضعیف شده، خود را مخالف برخی فشارها و اقدامات تروریستی می نامد، او چندین بار در زمینه هیئت "آزادی قلم بیان"، "البنیه غالباً با قید محدود بودن آن برای "مدافعان جمهوری اسلامی" سخن پراکنی کرده و خواستار آزادی به اصطلاح فعالیت احزاب و گروه های سیاسی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی شده است. اقدامات ششمی و اقدامات گروه بزرگی از هواداران او در جریان توطئه اخیر، برابعا دگرگانی های منتظری افزوده است. این اقدام در جهت گوناگون در راستای تضعیف بیش از پیش منتظری تا ثیر می کند و به ویژه هرگاه ابعا دمج اجتماعی می ساله را نیز در نظر بگیریم، به نوبه خود به تشدید درگیری ها در درون و پیرامون دستگاه حکومتی مساعدت می کند.

مهدی هاشمی و یاران اعدام شده و، از فعالین دفتر آیت الله منتظری و یاران زبیر و او ایودندی فعالیت آنها در دفتر منتظری، امکان نام سیاسی مساعدت در اختیار آنها می گذاشت و به ویژه این امکان را فراهم می آورد تا ارتباط خود را با آن نیروها و گروه های اجتماعی که از سیاست های رژیم راضی بودند، حفظ کنند و تحکیم نامینند. اقدامات هاشمی و طرفداران او و نیز پیگردی او با زداشت گروه های بزرگ تری از هواداران آنها به ویژه در سیاه و سیب از یک سو منتظری را از کاردهای سازنده محروم می کند و مالا به تضعیف نفوذ اجتماعی او کمک می کند و از سوی دیگر نیروهای "مزام" را که پیرامون محافل جامعه گوناگون را از حضور نفوذند، به اصطلاح "یکساز می نماید.

همانگونه که بیشتر گفتیم اقدامات هاشمی و طرفداران او در مجموع در مقوله تهاجم خونبار رژیم علیه نیروهای اپوزیسیون قابل توصیف است. در حالی که دعوی جناح رفسنجانی با منتظری در کار تضادهای درون جامعه و اساساً "با تخریب قدرت" در ارتباط است. مواضع اقتصادی که آیت الله منتظری در آن قرار دارد، کم و بیش همان مواضعی است که جناح جامعه ها با پیشبرد آن است. این واقعیت توضیح دهنده کم زرفی های دعوی آنها در این نغمه است. به علاوه شایعاً از خاطر برداریم

موضوع جانشینی خمینی و انتصاب منتظری به عنوان جانشین ولی فقیه (خمینی) همواره از زهان او ان موضوعات مرکزی جنگ قدرت میان جناح های جامعه بوده است. بدین ترتیب روشن می شود که انتقادات آقای منتظری همانگونه که خود نیز تصریح کرده است علیه "ناسور و روش های استبدادی به منظور تأمین منافع سیاسی شخصی است، آزادی مورد نظر منتظری چیزی فراتر از آزادی فعالیت جناح ها و محافل هیات جامعه نیست بلکه به نظر او می بایست با موازین قانونی استحکام یابد.

تصادفی نیست که در اوج جناحیت آفرینی های رژیم و قتل عام زندانیان سیاسی ایران، وزارت کشور اعلامی کند که قانون مربوط به فعالیت احزاب و گروه های سیاسی به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. با لاترا از این، وعده شد تا نام احزاب و زمان تکمیل پرونده ها نیز تعیین شده است. وزیر کشور اعلام کرده است که پس از بررسی و مطالعه و تطبیق اساساً نهادها و مراعاتها با موازین قانونی برای احزاب پرونده فعالیت ما در خواهد شد. از نظر وزیر کشور نیز "حضور تشکیلات حزبی در کشور باید یک هدف عمده را دنبال کند و آن بازسازی جامعه و فراهم ساختن فرصت های طلایی برای رشد و شکوفایی در مسیر آینده های عام ملت (ولایت فقیه) است و در این راستا دیدگاه ها از احزاب در برابر حکومت، با نیت سالم، تصدای زنده و اصلاح، کمترین کاری است که در حتماً از مردم از سوی تشکیلات سیاسی صورت می گیرد." در این نقطه نظر تفاوت های چندانی با نظر منتظری نیست و این دید.

مطالعه اوضاع سیاسی پس از قطع جنگ، میانگر دو جبهه های تازه ای است که هدف آن تحکیم مواضع سرمایه داری بزرگ در کشور در عین حال انطباق رژیم سیاسی جامعه را با الزامات رفرم ها سرمایه داری می باشد. در یک سخن کوتاه می توان گفت رژیم هر چه بیشتر شمیری درست خداوندان زر می شود. این بیده از یک سوی تواند تعدیل قشری گری در حکومت ایجاد شود، از سوی دیگر ایمن امکان منتفی نیست که به رفرم های سیاسی معینی با نجا مده که در تحلیل نهایی به شرکت طب مختلف وسیع تری از بورژوازی در سیاست گزاری ها منجر گردد. برای بسط و تکامل سیاست بورژوازی در کشور - همانگونه که همواره در تاریخ سوده است - توده های وسیع مردمی به عنوان رت دقیق تر، زحمتگزاران و نیروهای سیاسی وابسته به آنان تا آنجا که تناسب عینی قوا امکان پذیر می سازد، در معرض تهاجم بورژوازی قرار گرفته و می گردند.

در آرایش سیاسی کنونی، آنچه که متوجه است تغییرات تازه ای است که در صورت بندی تضادهای درون حکومت در حال ظهور است. رویدادها حاکی از آن است که موقعیت جناح رفسنجانی در جامعه کمیت همچنان در حال تحکیم است. در عین حال تضاد میان موسوی و هواداران او با این جناح تعمیق یافته است. در رابطه با قدرت گیری فزاینده جناح رفسنجانی بیمونگرانی های مشترکی موسوی را با منتظری مرتبط ساخته است. هر دو در برابر رفسنجانی و قدرت طلبی او قرار گرفته و احساس مشترکی دارند. به نظری رسد رسالتی ها در رابطه با مسایل اقتصادی در سمت گیری جناح رفسنجانی ذینفع باشند. از این رو امکان این وجود دارد که تسلسل سبزه ها در حکومت به جناح رفسنجانی که از حمایت ایندهای برخوردار است، با منتظری انتقال یابد. در حالی که خمینی همچنان مأمور می کند در مائورکونی همچنان از رفسنجانی حمایت می کند. هر آینه مردم و نیروهای انقلابی و دمکراتیک ضعیف و پراکنده ای می مانند، صف دشمنان مردم است که تحکیم می یابد، برعکس هر اندازه که مردم نیرومندتر در صحنه بیگانه را خود را استهلاک و نیروهای انقلابی و دمکراتیک کشور نقش شتری در حیات سیاسی کشور ایفا نمایند، به همان نسبت امکان آن پدیدار می گردد که تهاجم نیروهای ارتجاعی سد شده و وضعیت در جهت منافع مردم و نیروهای مردمی تغییر یابد.

رویدادهای اخیر نیز بر این استنتاج مقرر تأیید می کند که آزادی مبرم ترین شعار جنبش ما است و سمت اصلی فریت تا کنونی ما و همواره نیروهای انقلابی و دمکراتیک کشور می بایست متوجه استبداد مذهبی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه گردند.

اتخاذ چنین ستمی اجازه می دهد، همواره آن قوایی که در جامعه علیه ستمگری های رژیم فعالیت می کنند و خود را ستار سرنگونی رژیم ولایت فقیه و تحول ترقی خواهانه و دمکراتیک در کشورند، زبان مشترک پیدا کنند و در راستای تأمین اراده مشترک به بسط همکاری ها و اتحاد عمل رو آورند. حنا بیاتی که در مایه های اخیر رژیم علیه نیروهای مردمی مرتکب شده است، با ستمگریم و هراس آن از نیروهای انقلابی و دمکراتیک کشور است. تشدید تهاجم و درگیری ها میان جناح های جامعه و تهاجم محدود معینی کور بودن چشم انداز تحول اوضاع پس از مرگ خمینی، برابعا دسیم و هراس

رژیم فقیها از نیروهای مردمی افزوده است. این هم واقعیتی است که توده های مردم در وضعیت ناسامان اقتصادی و اجتماعی به سر می برند و موج رفاهی و انزجار نسبت به حکومت، در این زمینه فزاینده ای یافته است. تا آنجا که با مرگ خمینی، فوراً خشم و نا رضایی مردمی تواند برآمد و واقعی پیدا کند. دنیایی است که دشمن با ما سبب این واقعات و درگیری زسروش محتوم بوده، بهترین فرزندان در بند خلق را که در صورت رهایی - چنانکه در تجربه سرنگونی رژیم شاه دیدیم - چنان در فتنی افراشته در بیگانه رسروش قدیمی افراشته، سربسته نیست کند.

رژیم ولایت فقیه، قبل از هر چیزی با بهره گیری از ضعف و پراکندگی نیروهای مردمی و با سودجست از اوضاع مساعیدین لطللی که با آغاز مذاکرات صلح برای آن پدید آمد، فریت بزرگی به جنبش چسب ایران وارد آورد. بر ما است که به یاد فریت رژیم با بسط همکاری ها و همکاری ها علیه خود بین رژیم تشکیک ربا سخ گویم. □

**شهادت دکتر سامی...**

بقیه از صفحه اول

که به جهت سوابق سیاسی و هم به دلیل دفاع از آزادی و مخالفت با استبداد مذهبی، بارها مورد تهدید و ضرب و شتم و با ش حزب الهی قرار گرفته بود. بی جهت نیست که زتاب ترور دکترا می در حاشیه در میان مردم، چیزی جز این نبود که او به دست افراد حزب الهی و به دستور برخی از رهبران رژیم تهران در مراسم تشییع جنازه او را نیز در هم میسازد و رابطه با مردم متوجه قرار داد.

مراسم تشییع جنازه دکترا می علیرغم تامل رژیم عملاً به یک تظاهرات سیاسی تبدیل شد، مردم در شعارها بیان خواستار اجرای عدالت به هر قیمت شدند. سازمان نظام پزشکی با مدور بیانیتهای خواستار شایعی و مجازات هر چه زودتر قاتل و محرکین او شد.

واکنش رسمی مقامات، به ویژه وزیر کشور در رابطه با این رویداد، عوام قریباً به هم میسوزد متقاضی بود. محتشمی، با توجه به واکنش مردم، نخست سعی کرد نه تنها رژیم را از هرگونه سؤال و مواخذه ای مبری جلوه دهد، بلکه با انتصاب این اقدام جناح یکنوا رانه به مخالفین رژیم بهره برداری سیاسی کند، با زتاب این رویداد در حاشیه، البته به نفع سازمانی جنبه سیاسی داشت. اما به نوبه رژیم، بلکه به زیان آن. مراسم تشییع جنازه، همداری بسیاری رژیم بود. به طوری که پس از آن، طی اعلامیه ای ظاهراً از جانب خانواده دکترا می، مراسم تشییع جنازه او در حسینیه ارشدین برگزار گردید.

پس از آن که رژیم امکان انتصاب قاتل به مخالفین خود را از دست داد، درصدد برآورد که در کتار می سامی را قاتل هرگونه انگیزه سیاسی او نامود کرده و به مساله کما لحنه شخصی محدود سازد. بیرونی مبتدلی که طی مصاحبه محتشمی، وزیر کشور، در رابطه با شتابی قاتل، "انگیزه قتل"، "خودکشی قاتل در حاشیه برلیان هوازا" و در نتیجه شسته شدن پرونده قتل دکترا می، به مردم ارائه شد، احقاً نه ترا آن بود که بتواند کسی را بقیدد. این داستان که به بیانیتهای برای پیش با افتاد به لیبسی، جناحی به سرهم بندی شده است، نه تنها با سخگوی سؤالات مردم نبوده، بلکه به سر دگمانی و بی اعتمادی نسبت به رژیم افزوده است. پیداکردن یک "مصحح چووال" لیبویه در سخا "و معرفی کردن او به عنوان قاتل دکترا می - در تراشدن یک جناح انگیزه متحک و احقاً نه ای برای قتل (چه ترور دیگری یا شوجه خودکشی)، تشییع می تواند سخته و برآورد خسته می های لیل الله و در خور با و مقلدان ساد لوج حزب الهی باشد.

رویداد فقیع و ناگوار ترور دکترا می، در فضای سیاسی موجود کشور، در شرایط تشدید درگیری ها و زور آزادی های دسته ها و باندهای رقیب حکومتی و نیروهای پیرامون آن، و بسا زار داغ تصفیه های درونی، ارزیابی ها و اظهار نظرهای گوناگونی حتی در طبقات محافل همفکر می صورت گرفته است، که از انتساب آن به جناح های معین حکومتی حکایت می کند. برخی از دوستان و همفکران سامی انگیزه قتل او را مربوط به مبارزه قدرت در حاکمیت می دانند. از طرفی مهندس بازرگان فسن یک گله گزاری و انتقاد دغیر مستقیم رژیم، حاکمیت را در این خصوص تشریه کرده است. سعید نیست آسای بازرگان در ارزیابی این واقعه همانند دیگر بازرگان رفتار کرده باشد. در هر حال هنوز شاهد برای یک ارزیابی قطعی کافی نیست. اما می شک رویدادهای آئینده، علیرغم همه تصدیقات و تحریفات، برده از واقعیت این تشکیک را کنا رخا دهد.

سازمان ما شور فقیع و ناگوار صرا دهنده دکترا می را تهاجم و محکوم می کند و به زام ندگان و یارانش تسلیم می گوید. □

### چهلمین سالروز انتشار منشور حقوق بشر

۱۵ دسامبر (۱۹ آذر) سال، چهلمین سالروز انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر است. چهل سال پیش در سال ۱۹۴۸ که بشریت تازه از جبهه جنگ جهانگیر دور رها بی یافته بود، سازمان ملل کمیسویی را مامور کرد که دربار رعایت حقوق بشر، قوا عدلی را وضع کند. ششاد کمیسیون به بیانیه حقوق بشر و قرارداد های بین المللی معین آنجا مید. بیانیه مشتمل بر اصول ناظر بر حقوق بشر است و قراردادها مشتمل بر مقرراتی است که رعایت آن توسط دولت ها الزامی است. بیانیه توسط کشورهای جهان پذیرفته شده است. قراردادها را اغلب کشورها امضا کرده اند. قراردادها عرصه های مختلف زندگی بشر را دربر میگیرد. ما در این شماره دو قرارداد مهم را جهت اطلاع چاپ می کنیم. در اولین فرصت متن کامل بیانیه و قراردادها را انتشار خواهیم داد.

این دو قرارداد، یعنی قرارداد بین المللی حقوقی تقاضای، اجتماعی و فرهنگی، و قرارداد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، برای همه مردم، حق خودمختاری، حق تعیین وضعیت سیاسی خود و حق استفاده از ذخایر طبیعی خویش را تضمین می کنند. اندیشه "حقوق بشر" نقش مرکزی را در منشور ملل متحد ایفا می کند.

### قرارداد بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی

مواد قرارداد بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی که توسط دولت ها در سال ۱۹۶۶ پذیرفته شده است، عبارتند از:

- حق کار، تربیت فنی و حرفه ای
- حق شرایط کار مناسبانه و مطلوب
- حق ایجا دوا رتباط سندیکا های حرفه ای و دیگر حقوق سندیکایی
- حق امنیت اجتماعی
- حق محافظت از خانواده، مادران و کودکان
- حق زندگی با استاندارد مناسب
- حق سلامتی جسمی و روحی
- حق آموزش
- حق شرکت در حیات ادبی

### مواد قرارداد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

موارد زیر از حقوق بشر در کنوانسیون بین المللی ۱۹۶۶ برای حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است:

- منع شکنجه و قسوت، رفتار یا تنبیه غیر انسانی و تحقیر آمیز
- منع بردگی، خدمت یا کار اجباری
- حق آزادی و امنیت شخصی، محافظت در مقابل دستگیری یا بازداشت خودسرانه
- حق اشخاص متهم و مجرم به داشتن رفتار انسانی با او
- منع توقیف به دلیل عدم توانایی انجام الزامات قراردادی
- آزادی حرکت (تغییر مکان، مسافرت)
- محافظت در مقابل اخراج اجباری
- مساوی در مقابل دادگاه ها و محکمه ها
- حق داشتن یک داور علمی و منصفانه در دایره دادگاه صلاحیت دار، پذیرش بی گناهی تا زمان اثبات جرم
- منع عطف به ما سبق کردن قانون جنایی
- حق محافظت از حریم خانواده، خانه و مکاتبات
- حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب
- حق داشتن نظر فارغ از تضییق و فشار
- منع تبلیغ جنگ، دشمنی ملی، نژادی و مذهبی
- شناسایی حق ایجاد مجامع صلح آمیز
- حق تشکیل از جمله تشکیل اتحادیه و سندیکا ها
- حمایت از خانواده، حق ازدواج
- حقوق کودکان
- حق شرکت در امور عمومی، اتخاذ تصمیمات سیاسی و داشتن دسترسی به خدمات عمومی

### فرزند مبارز خلق

محمد حسین دیانک شوری (منصور) از میان خانواده ای زحمتکش برآمده بود. زندگی خانوادگی او در میانه های دهه های سی و چهل میلادی بود. پدرش یک کولچه بازرگان و مادرش یک کولچه بازرگان بود. دیانک شوری در خانواده ای مبارزه نهاد. خلق، عادات و رفتارهای کهنه در آن سال ها کسب کرده بود، عامل موفقیت بسیار جدی او در زندگی با زحمتکشان بود. علاوه بر این زبیری و استعداد در جستجوی کدها داشت و او به سرعت در زمره مبارزان استوار جنبش انقلابی ایران درآورد. هنگامی که در روستاهای آذربایجان سپاه ای دانش بود، به دلیل فعالیت آگاهانه در میان نوجوانان روستا دستگیر، محاکمه و به ۱/۵ سال حبس محکوم شد. اما سال ها که هیچگاه ارتباطات او را با سازمان فدایی کف نکند. بیسی از آزادی زندان در سال ۶۶، بلافاصله گروهی هوادار سازمان کیهان را تشکیل دادند و قدرتمند بود را بنیان نهادند و هدایت کرد. اعلامیه ها و جزوه های این گروه به نقاط مختلف شمالی کشور، بلکه حتی تهران راه رسید می پوئاند.

رفیق دیانک شوری پس از انقلاب در هیئت مرکزی کارگری سازمان به فعالیت انقلابی خود ادامه داد و با استعداد در جستجوی کدها داشت و او به سرعت در زمره مبارزان استوار جنبش انقلابی ایران درآورد. هنگامی که در روستاهای آذربایجان سپاه ای دانش بود، به دلیل فعالیت آگاهانه در میان نوجوانان روستا دستگیر، محاکمه و به ۱/۵ سال حبس محکوم شد. اما سال ها که هیچگاه ارتباطات او را با سازمان فدایی کف نکند. بیسی از آزادی زندان در سال ۶۶، بلافاصله گروهی هوادار سازمان کیهان را تشکیل دادند و قدرتمند بود را بنیان نهادند و هدایت کرد. اعلامیه ها و جزوه های این گروه به نقاط مختلف شمالی کشور، بلکه حتی تهران راه رسید می پوئاند.

رفیق دیانک شوری پس از انقلاب در هیئت مرکزی کارگری سازمان به فعالیت انقلابی خود ادامه داد و با استعداد در جستجوی کدها داشت و او به سرعت در زمره مبارزان استوار جنبش انقلابی ایران درآورد. هنگامی که در روستاهای آذربایجان سپاه ای دانش بود، به دلیل فعالیت آگاهانه در میان نوجوانان روستا دستگیر، محاکمه و به ۱/۵ سال حبس محکوم شد. اما سال ها که هیچگاه ارتباطات او را با سازمان فدایی کف نکند. بیسی از آزادی زندان در سال ۶۶، بلافاصله گروهی هوادار سازمان کیهان را تشکیل دادند و قدرتمند بود را بنیان نهادند و هدایت کرد. اعلامیه ها و جزوه های این گروه به نقاط مختلف شمالی کشور، بلکه حتی تهران راه رسید می پوئاند.

رفیق دیانک شوری پس از انقلاب در هیئت مرکزی کارگری سازمان به فعالیت انقلابی خود ادامه داد و با استعداد در جستجوی کدها داشت و او به سرعت در زمره مبارزان استوار جنبش انقلابی ایران درآورد. هنگامی که در روستاهای آذربایجان سپاه ای دانش بود، به دلیل فعالیت آگاهانه در میان نوجوانان روستا دستگیر، محاکمه و به ۱/۵ سال حبس محکوم شد. اما سال ها که هیچگاه ارتباطات او را با سازمان فدایی کف نکند. بیسی از آزادی زندان در سال ۶۶، بلافاصله گروهی هوادار سازمان کیهان را تشکیل دادند و قدرتمند بود را بنیان نهادند و هدایت کرد. اعلامیه ها و جزوه های این گروه به نقاط مختلف شمالی کشور، بلکه حتی تهران راه رسید می پوئاند.

### شهادت رفیق محمود رضا یک بندی

در باستان، تروریست های مسلح رژیم خمینی، یک ایرانی هوادار سازمان را که در تظاهرات علیه کشتار زندانیان سیاسی شرکت داشت به قتل رساندند.

روز دوشنبه، ۵ دسامبر، به خاطر اعتراض به قتل عام زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی، از طرف فدائیان خلق تظاهراتی در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در کراچی انجام گرفت. این تظاهرات که از ساعت ۱۰ آغاز شده بود، در ساعت یک بعد از ظهر مورد حمله گروهی از تروریست های رژیم حاکم بر ایران قرار گرفت. تروریست های حزب الهی سوار بر ماشین های خود به سمت تجمع کنندگان حمله کرده و با کلت به سمت تظاهر کنندگان تیراندازی کردند. در پی این جنایت، یک نفر سوار هوادار سازمان به نام محمود رضا یک بندی بر اثر اصابت گلوله بر سرش فوراً کشته شد و ۵ تن دیگر نیز زخمی شدند.

رفیق محمود رضا یک بندی متولد سال ۱۳۳۴ و اهل آبادان بود. وی که به دلیل شرایط تروریستی اختیاری مجبور به ترک میهن خود شده بود، به خاطر اعتراض نسبت به کشتار زندانیان سیاسی در ایران قربانی تروریسم فاساد رژیم خمینی گردید. یاد رفیق گرامی باد.

### شهید محمود حسن پور اصل رزمنده شهیر راه آزادی ۹ بهروزی مردم

محمود جوان ترین فرزند پسر در خانواده حسن پور بود. فرزندان رشیدی که از این خانواده دهقان در روستای سیرجه پشت لاهیجان برخاسته اند تا ما این خانواده را در تاریخ معاصر جنبش انقلابی ایران جاودانه کرده است.

۱۹ ساله بود و در خدمت وظیفه که به دنبال جریان سپاه هگل و دستگیری برادرش غفور (ابریج) حسن پور (که از رهبران و بنیانگذاران اندیشمند و برجسته سازمان چریک های فدایی خلق ایران بود)، دستگیر و روانه شکنجه گاه شد.

محمود، علیرغم جوانی، با استواری بی همتا دوران دشوار با جوی را پشت سر نهاد و در زندان رژیم به ۵ سال حبس محکوم شد.

پس از حوادث تیرماه ۵۲، از زندان سالی تهران، به زندان بروجرود تبعید شد. دوره های دشوار رفتنایی، را با شوق آنکه برادرش مصطفی و تنها خواهرشان فاطمه، در صفوف سازمان می رزمند، سر میگرد. پس از پایان محکومیت، ساواک او را آزاد نکرد. در زندان بود که برای شناسایی اجساد برادر و خواهر قهرمانش فراخوانده شد. محمود استوار و دلورایان سال ها با این دردها را تحمل کرد.

در آستانه انقلاب از زندان شاه آزاد شد. با آن تهور بی همتایی که داشت، در قیام ۲۲ بهمن قهرمانی ها کرد و در فتح با دکان جنبش با دکان عباس آبا دوزندان اوین دلوری ها از خود نشان داد. بلافاصله پس از انقلاب به ترکمن صحرا رفت و با شورش قدرتی بی نظیر به دفاع از زندانشان ترکمن پرداخت. باستان ۵۸ به خوزستان اعزام شد و با آخرین در زمستان ۵۸ به سرزمین زادگاهش کیلان رفت تا فعالیت سازمانی را در آن منطقه ادامه دهد.

همه آنهایی که محمود حسن پور را می شناختند، می دانند که از جهاد دلوری و سرخس بی همتا بود. همزمانش در تشکیلات جنگها او را به یک مسئول گنه یک رفیق بسیار نزدیک و دلسوز در همه امور زندگی خویش می دانستند. محمود در این سالها در کارگاه های مختلف، کارگری می کرد و حرفه های گوناگون می آموخت.

رفیق محمود پس از ضربات ۶۲ به دلایلی کونا کون در ارتباط منظم با تشکیلات مخفی سازمان قرار نگرفت. اما بیسی خونخوار رژیم او را در سال ۶۶ دستگیر کرد و همراه با یاران دیرینه اش، به کانی کمال با یکدیگر در زندان های شاه رزمیده بودند. تیرباران کرد.

### فدایی شهید احمد تقیانی

### فرزند پیکارجوی خلق

رفیق احمد تقیانی از مبارزین بسیار با سابقه جنبش است. مبارزه را از نوجوانی در بروجرود، همراه با دلورایان ارمان خلق آغاز کرد و در دانشگاه تهران همراه با عده ای از اعضای سازمان کار را پی گرفت. در پی دستگیری عده ای از اعضا گروه، رفیق احمد نیز دستگیر شد و تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفت. با سر بلندی و افتخار بازجویی را پشت سر گذاشت و در سپیده دگاه رژیم شاه به ده سال حبس محکوم شد. همه کسانی که در زندان های رژیم شاه رفیق احمد را دیده بودند، از او به مثابه چهره ای شریف، مردم دوست، متواضع و مبارز یاد می کنند.

با انقلاب بهمن، رفیق احمد از زندان آزاد شد و بلافاصله فعالیت در صفوف سازمان را از سر گرفت. با شناسایی نخست انقلاب را خوزستان و در میمان کارگزاران نفیست فعالیت می کرد. رفیق در مقام مسئولیت مردم با دان و خرمشهر علیه تجار و کارکنان رژیم مستدام حسین مشارکت جدی داشت و با شجاعت بی نظیر در این روزهای دشوار در کنار مردم این دوشهر جنگید.

پس از ماه حضور در کنگره های جنگ و تخلیه آبادان، محل فعالیت سازمانی اش به تهران منتقل شد. بلافاصله پس از انتقال به تهران در دستگاه رهبری سازمان جوانان شروع به کار کرد و مسئولیت شعبه کارکنان جوان را در رهبری سازمان جوانان پیشگام ایران بر عهده گرفت قلم توانا پیش در خدمت شریات سازمان (نبرد دانش آموز، ویژه جوانان در نشریه کار، بولتن با جوانان و نوجوانان) نیز بود.

در باستان ۶۳، رفیق احمد که در تشکیلات سازمان فداییان در تهران به فعالیت انقلابی ادامه می داد، توسط مزدوران رژیم دستگیر و به زیر شکنجه کشیده شد. رفیق احمد را پس از چهار سال زندان، در کشتار عام زندانیان سیاسی در باستان ۶۷ تیرباران کردند.

### نامه به دبیر اول حزب اتحاد شوروی پیرامون

## فجایع اخیر ایران

جنایت هولناکی در کشور ما رخ داده است. جنایتی که تنها با جنایات فاشیست‌های هیتلری و اردوگاه‌های مرگ آن قابل مقایسه است. شما اطلاع دارید که طی ماه‌های اخیر صدها و صدها زندانی سیاسی، بسیاری از شخصیت‌های نامدار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما، بسیاری از رهبران احزاب مترقی ایران، به دستور سرسرا در جمهوری اسلامی در زندان‌ها به طور دسته‌جمعی کشتار شدند و در گورهای دسته‌جمعی دفن شده‌اند. در بسیاری از زندان‌ها شما زندانیان را یک‌جا بنا بسود کرده‌اند.

در تمام طول تاریخ معاصر ایران تا کنون چنین قساوتی هرگز وجود نداشته است. طی این کشتار جمعی علاوه بر ده‌ها فدایی خلق ایران، تقریباً

### ایران در عزای ...

بقیه از صفحہ اول

در میان سیل شهیدان، نام‌مدها و وصدها میهن پرست و انقلابی شناخته شده و زندانیان سیاسی به چشم می‌خورد. در میان شهیدان تا مزید هر زندگان آزاده‌ای به چشم می‌خورد که سالیان طولانی در زندان‌های شاه به سربردند و سال‌ها با جان‌نثاری و افتخار برای میهن و مردم خویش رزمیدند. در میان شهیدان سازمان ما، نام‌آزادگان قهرمانی چون رفیق صداسلامی طاهری قهرمان بزرگ مقاومت در مسلخ‌ها، رفیق محمود حسن پور، رفیق محمد حسن دیانک شوری، رفیق مجتبی مطلع‌سرای، رفیق احمد ثقلینبی، رفیق حمید منتظری، رفیق خلیل لطف‌الله زاده و ده‌ها چهره برجسته جنبش انقلابی ثبت شده است. رفیق صداسلامی طاهری، عضو کمیته مرکزی سازمان و از برپا بقره‌ترین رزمندگان فدایی بوده است. رفیق صدکا زین‌الدین سالیان رزم بی‌پایان در خلق به صفوف فداییان پیوست، همواره با تمام وجود و با دلی انبیاشته ز شورندگاری برای مردم نجات‌بخش خدمت کرد. او به پاس همین خدمات بزرگ به عضویت کمیته مرکزی سازمان برگزیده شد و در سخت‌ترین سال‌های پس از تاج‌گذاری رژیم خمینی، ایثارگرانه در سازمان خود را پیش برد. رفیق محمد حسن دیانک شوری، عضو شاخه کمیته مرکزی سازمان و رفیق حمید منتظری، عضو شاخه کمیته مرکزی سازمان نیز برای انقلابیون ایران نام‌های شناخته شده‌اند. این رفقا هر چه در توان داشتند، همه‌کارگر رفتند تا درست‌ترین شرایط سنگر سازمان و جبهه مردم توانمندکننده و نقشه‌های دشمنان را در جبهه مردم رفقای شهید علیرضا اسکندری، اسماعیل پورمحمدی، حسن دشت‌آرا، اکبر باقری بن‌تاب، محمد دریا باری، و محمود بیگیکی از پیروان سابقه‌ترین مبارزین راه آزادی و پیروزی مردم بودند. ده‌ها کار و عضو فدایی که در این پورش‌چینی قتل‌عام شدند، هر یک جانی سرشار از عشق به مردم آزادی و پیروزی برای نبرد تا به آخر با دشمنان و زمام‌داری و پیروزی مردم داشتند. فریغ زندگی آنان با مرگشان خاموش نمی‌شود، آنها در کنار رهبران خود، در قلب ما، در قدم و قلب ما راه سعادت مردم تا به آخر می‌بینند.

در این فاجعه ملی، حزب توده ایران بسیار از بهترین فرزندان خود، از دستگا رهبری و آزادگان و اعضا مبارز حزب را از دست داد. در میان شهیدان توده‌ای بسیاری از چهره‌های خدمتگزار و سرشناس جنبش انقلابی و مردمی غنوده‌اند. رفیق امیر هوشنگ ناظمی (نیک‌آئین)، از قهرمانان پیرو افتخار مقاومت در زندان، رفیق آصف زاهدی، رفیق عبدالرحمن آگای، رفیق محمدرحمان، رفیق با محمدزاده، ابوالحسن طویب، رفیق ابوشراب باقرزاده، رفیق ذوالقدر، رفیق جوانشیر (فرج‌الله میزانی)، رفیق عباس هجری، رفیق گل‌اوز، رفیق جودت و چند تن دیگر از خدمتگزاران ایثارگر خلق که همگی حضور هری حزب توده ایران بودند، در زمره شهیدانند. اغلب این رفقا سالیان طولانی، و برخی بیش از ده‌دهه در زندان‌ها و اسارتگاه‌های رژیم شاه جرح بردند. بسیاری از آنان از برجسته‌ترین چهره‌های ادبی و فرهنگی و از انا عده‌دهندگان اندیشه‌پیش‌رو در کشور ما هستند. خدمات این بگادگان رزمجو آزادی‌جوی جز پیروزی کشور و مردم و سعادت چنانچه نشانده‌اند، هرگز از خاطر آزادگان نخواهد رفت. در کنار روان شهیدان حزب توده ایران شما بسیج‌سازان برجسته‌ترین کارها و اعضا حزب، از انسان‌هایی که همه‌زندگی خود را وقف خویشی مردم خویش کردند،

تعدادی از رهبری و بسیاری از آزادگان و رهبران حزب توده ایران که از ۵ سال پیش در بازداشت و زیر شکنجه بوده‌اند، اعدا شده‌اند. فعلا این سایه‌سار نیروهای چپ‌نیز طی بوش‌های اخیر به زندان‌ها به طور دسته‌جمعی و همواره ده‌ها زندگان کشتار شده‌اند. اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران که خود یک جریان اسلامی است، بخش بزرگی از قربانیان این جنایتند. آنها هم شقاوت‌مجویانه به جوش آمده‌اند. اعدا مسپرده شده‌اند.

رژیم ابعاد جنایت را به جایی رسانیده که حتی آن دسته از طرفداران جمهوری اسلامی که بسیار برخی سیاست‌های خاک‌مخالفند، نیز کشتار می‌شوند. در هفته‌های اخیر گروه‌بزرگی از روحانیون طرفدار آیت‌الله منتظری در همین رابطه آهسته‌آهسته رفیق عزیز!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر) همه اعضا و هواداران سازمان ما و تمام مردم صلح‌دوست و آزادی‌خواه ایران از شخص شما، از حزب برادر، حزب کمونیست اتحاد شوروی انتظار دارند که در برابر این جنایت هولناک ساکت ننشینند. مردم ایران از شما و از هر کس که از صلح و ترقی طرفداری می‌کند، می‌خواهند کشتار زندانیان سیاسی را قاطعانه محکوم کنند. ما شاکه سرفراز آینده شما در سازمان ملل متحد مواضعی را تقویت‌کننده رعایت حقوق بشر به ویژه در ایران را طلب می‌کنند. آنتظار را مسردم قرار دارند.

از سازمان فداییان خلق ایران (پیروسیا) (۱۶ آذر)، در انتها چوینین رژیم کارها و اعضا بسیاری شهید شدند. رفقا حسین صدراپی، علی صدراپی، سهراب ملطقی، مجتبی محسنی، منوچهر سرحدی، زین‌العابدین کاظمی، اسفندیار ربیک منشی و هیبت‌الله معینی جا غرود رهبران سازمان و قهرمان بزرگ مقاومت در زندان‌های دور، در زمره شهیدانند. رفیق هیبت‌الله معینی از قدیمی‌ترین فداییان خلق و یکی از برجسته‌ترین و ثابت‌قدم‌ترین مبارزین راه آزادی و پیروزی مردم ایران بسود. همزمان و هم‌زنجیران به یاد می‌آورند سیمای نجیب اورا، که از میز سرور و مصیبت و اعتقاد دود و تبسم نواز شکر و زمره مهربانی‌اش را:

از می با سرفراشته‌ها بدیزید  
و سرفراشته‌ها بدیزید  
و انید در ره خلق  
همه هستی خویش

بی‌شک در دور خلق، همه هستی خویش، هستی او، همچون هستی گرما بخش انوش روضی و نیک‌آئین و امیران و ده‌ها وصدها ستاره فروزا و این شهیدان ایابنده است، و مرگ را برستخ سردآنان راهی نیست. و با زهم از فداییان خلق، از نیروهای سازمان جریک‌های فدایی خلق (قلب)، و رفقا علی بیگیکی، حمید طاهری، شهریار آری، مجید ایرانی، عبدالعظیم بری و بسیاری دیگر به خون غلظیدند. از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) رفقای مبارز علیرضا تنبیه، رزمنده‌ها به سابقه و از بنیان‌گذاران راه کارگر، لهراسب صلواتی، رحیم حسن پور و درسی، جعفر ریاحی، محمد ریاحی، عطامعینی و بسیاری دیگر شهید شدند. طی سال‌های اخیر گروه زیادی از آزادگان برجسته راه کارگر که از زندانیان مبارزین سرشناس دوران رژیم شاه بسودند، در زندان‌ها به شهادت رسیدند. آنها در سرداب رژیم خمینی ایثارگری بسیار کردند و با یاد راه‌جسان در دره‌ای در می سپردند.

سازمان مجاهدین خلق ایران، در انتها چوینین رژیم، بسیاری از رزمندگان و کارهای خود را که دلبرانه با رژیم خمینی بیگار کردند، از دست داد. رژیم خوددها را رحمانه مجاهدین مبارزان نه تنها در زندان‌ها بلکه در میدان‌ها و کوچ‌های شهرها خلق آویز می‌کنند و با انتقام‌جویی گور و دردمندان حکم مرگ هم‌جا دمی را پیشاپیش اجرا کرده است. حزب دمکرات کردستان ایران آماج دیگر کتل‌عام‌های اخیر بوده است. چندین تن از اعضا و کارهای دلیر حزب دمکرات در پورش اخیر شهید شدند.

از حزب دمکرات کردستان (رهبری انقلابی)، طی ماه‌های اخیر جنبش‌های آزادیخواهان، کارها و اعضا: رزمنده به شهادت رسیدند. سازمان زحمتکشان کردستان ایران (کومله) نیز بنا بر شما رهبری از شهیدان خود را اعلام کرده است. مبارزین کرد، وابسته به حزب دمکرات کردستان، حزب دمکرات کردستان (رهبری انقلابی) و کومله در هر کجا که دست رژیم رسید بی‌امان به‌خون کشیده شدند.

بسیاری از مبارزین سرشناس و زندانیان قدیمی، کسانی چون رفیق محمد علی برنوی، علیرضا زمردیان، منصور موسوی و کمال مدرزاده در زمره شهیدان اخیرند. برای شناسایی همه شهیدان و تکمیل نام‌ها به‌خون خفتگان هنوز زمان لازم است. درهای چندم بسته و دروخسان همچنان در کارند. زندان کمک می‌طلبد. زندان از جنبش، جنبش از مردم و مردم ایران از همه چنانچه کمک می‌خواهند.

ایران این بوده و هست که در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد و دیگر تریبون‌های بین‌المللی، نیروهای ترقی‌خواه جهان برچم دفاع راستین از حقوق بشر را به دست گیرند و نقش‌خشان این حقوق را در ایران محکوم کنند.

رژیم ایران که مصیبت ۸ سال ادا به جنس‌خا نام‌نوسوز را به قیمت جان قریب به یک میلیون انسان به خلق ایران تحمیل کرد، اما در پایان کار در برابر اراده صلح‌خواهان مردم مجبور به تسلیم شد، امروز بهترین فرزندان آزادیخواهان میهن ما را آماج کین‌خواهی خود قرار داده است. رژیم‌ساز ایران روی تمام خلق ایران تیغ کشیده است. وجدان بشری نمی‌تواند در دنیا که چنین جنایتی را تحمل کند. بگذارد ای اعتراض‌ها علیه این جنایت وجدان بشریت را با زهم بیدار تر کند.

اعلام همبستگی کمونیست‌های اتحاد شوروی با کمونیست‌ها و نیز با سایر نیروهای ترقی‌خواه کشور ما که سخت‌ترین و دردناک‌ترین سال‌های خود را می‌گذرانند، در راستای همان ایده‌آل‌های انشور می‌کنند که این کمپیر در جستجوی آن بوده، همان ایده‌آل‌های که امروز روزنه‌نوسازی و گسترش دمکراسی در اتحاد شوروی نیز اجابت و تحقیق آن را جستجو می‌کند. فرخ نگهدار دبیر اول کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکتوبر) اول دسامبر ۱۹۸۸

برای بشریت بسی درد آوار است که در چله بی‌سازمان لنگر مدور با تیره حقوق بشر، بشرو همه حقوق‌خشان در ایران خونبار را بی‌گونه تحقیر شوند.

کابوس خوف‌انگیز ایران با بدبشریت را پیش از آن بیدار کند که تنها به صدور تفریقات‌ها با بی‌علاقه‌قتل‌عام‌های اخیر اراضی شود. ما، همه، می‌سیم سازمان‌های میهن پرست ایران، اعلام می‌کنیم مصیبتی همچون یک زمین لرزه‌دهش و با انفجار مهیب سر کشور ما فرود آمده است، آوار را روتور تیغ بر سر مردم ما فرود آمده است. تیغ بی‌بند آن بشر دوستان و مدافعان حقوق بشر؟ کجا بندگان همه منتورهای بشری و دولت‌های مدافع حقوق بشر؟ کجا بندگان همه نیروهای که به‌خاطر سول‌زین‌ها و لخوا لساها، به‌خاطر مقفود شدن فلان سرمایه‌دار آمریکا بی‌درلینان و با بازداشت فلان مسطور انگلیسی در ایران، حقوق بشر را از هزار گوشه عالم سرمی‌دهند و همه "هرم‌های فضا را برای دفاع از انسانیت" به کار می‌نند؟ آیا نه این است که قتل‌عام‌های انقلابی و دمکرات در ایران از سوی برخی از این مدافعین حقوق بشر آگاهانه بسوداگرانه ساکت و با حد اکثر به‌سازت‌های دروغین "بشر دوستانه" همرا دیوده است. آیا نه این است که بسیاری از این دولت‌های مدافع حقوق بشر به‌واقعاً نه‌ترین شکلی در برابر فاجعه ایران بنده‌گوشا فرو کردند.

فاجعه ایران معیار سترک برای سنجش تک‌تک مدافعین عدالت و حقوق بشر است. همه بازی‌های پلیسی و همه واقعیت‌آدا‌های بشر دوستانه در اینجا خود را محک می‌زنند. مردم ما با نفرت بسیار دولت‌ها و دنیا دهایی را که آنرا حقوق بشر را بزجه‌سوداگرانه با بی‌سازت‌های حق‌تورای دهند و از همین رودر بار برنیدترین نمودار نقض حقوق بشر در تاریخ پس از جنگ دوم چین ساکت کرده‌ای سر در لاک خود فرو می‌برند، محکوم می‌کنند، مردم ایران هرگز بسوداگرانه با خون فرزندان‌شان را فراموش نخواهد کرد.

مردم ایران البته تنگ می‌دانند که تنها نیستند و وجدان‌های بیدار بسیارند. مردم ایران از این وجدان‌های بیدار را، کمونیست‌ها، دمکرات‌ها، سوسیال‌دموکرات‌ها، ترقی‌خواها، صلح‌دوستان، سبزه‌ها و همه مدافعین حقوق بشری می‌خواهند. مردم ایران ار همه دولت‌ها و نیروهای که خود را به حقوق بشر پای بند می‌دانند و از حقوق بشر حمایت می‌کنند، درخواست می‌کنند در برابر این فاجعه بشری ساکت ننشینند و نیک‌بندگان را رسمی مسئول تنفرا مه‌با اظهار نیک‌گفت‌های رسمی مسئول مانع‌گشودن‌رگ‌های سرخ سبزترین فرزندان این کشور نخواهد شد. آنا تنگ‌مدافع حقوق بشرانند، ما بیدار این لحظه دشورا و جانتکار را به خلق کشور ما همه امکانات، ایران‌نیان را یاری دهند و از ریختن خون فرزندان بی‌رونده کشور ما جلوگیری کنند. مردم ما خواستار اقدام فوری هستند.

ایران آرزو منخوا هدشت، خشم و نفرت متلاطم مردم در جام جادوی درخیمان حاکم‌جای نخواهد گرفت. ما را می‌کشند، اما بسیار می‌شهیدان بسیار ما نیز همرا می‌آید. ایران زخمی برمی‌خیزد و از اعناق نا جعبه‌تیز به سوی بیابان‌های گشاید. آینه‌سوداگر آن‌ما است، و پرستوی می‌جرا بیک کوچ را منتظر است. کوچ ما منتظر است، پس هر یک حشرای جنگجویی منتظر است. پس چشمان درخشان وطن انقلاب دگسری منتظر است





خطابه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### برای متوقف کردن سیل خون در ایران، فریاد درس می خواهیم

تا اول دیماه ۴۳۸ قربانی فاجعه کشتار زندانیان سیاسی شناسایی شده‌اند

امروز اول دیماه ۱۳۶۷ (۲۲ دسامبر ۱۹۸۸)، خطابه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مورد فاجعه کشتار رفیع و هنگامی زندانیان سیاسی ایران انتشار یافت. به ضمیمه این خطابه، ۴۱۱ نفر از زندانیانی که خورشید دلت آنها اعلام شده است، انتشار یافته است. هدف از انتشار این خطابه، مطلع کردن جهانیان از اسامی زندانیان هولناک رژیم، تشدید اعتراض علیه آن و تشدید فشار بین‌المللی برای توقف موج اعدام‌هاست. کمیته مرکزی این خطابه را برای رهبران احزاب کمونیست، احزاب کارگری، همه محافل ترقی خواه، خطاب به سران کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، برای معارض مدافع حقوق بشر و خطابه به همه خبرگزاری‌ها و رسانه‌های گروهی در کشورهای مختلف ارسال داشته و نیز از تمام اعضا و هواداران سازمان در کشورهای مختلف خواسته است که ترجمه خطابه و اسامی ضمیمه را به زبان محلی و وسیعاً انتشار داده، به ویژه در اسرع وقت آن را به نام شخصیت‌های یا دشمنان در فوق ارسال دارند.

به: ...

محترما:

اکنون یک ماه پس از انتشار اولین خبرها در باره سیل اعدام و کشتار دسته جمعی بدون محاکمه و جنون آمیز زندانیان سیاسی ایران، با عداقت‌آمیزی که بر مردم ایران رفته است و با منتهجنانیت هولناک سران رژیم به تدریج بر ملایمی شود، روزی نیست که تا مدتهاست از قربانیان این جنایت کثیف بر ملا نشود. امروز، ۲۲ دسامبر، اسامی قربانیان این جنایت که تاکنون شناسایی شده اند، ۴۱۱ نفر بالغ شده است. این لیست ناقص است و همواره چیزهایی از آن است که در فوق اسامی اعدام‌ها قطعا چندین برابر است. سران جنایتکار رژیم سیل خون به راه انداخته‌اند. نسام و نیروهای دیگر اندیش را قتل عام می کنند. حتی عسدهای از وابستگی خود رژیم به کجای برخی سیاست‌های باند حاکم مخالف بوده اند نیز اعلام شده اند. هیچ گروه و حزب سیاسی مخالف رژیم ایران نیست که نسبت به شهادت‌شنی خود رژیم به کجای اسامی زندانیان اخیراً شنیده در میان قتل عام‌شدگان که تاکنون توسط منابع سازمان ما شناسایی شده‌اند، نام توده‌های هلسا، فداییان و مجاهدین پیش از دیگران به چشم می‌خورد. از شکست فاش شیم تا امروز چنین جنایتی با چنین ابعاد هولناک در هیچ کشوری سابقه نداشته است.

فرمان قتل عام زندانیان به دستور شخصی خصیمی صادر شده است و توسط یک هیات سه نفره از جانب وی به اجرا گذاشته شده است. این هیات در فاصله ماه و نیم تا ماه دسامبر ۱۹۸۸ فریبان قتل هزاران زندانی سیاسی را صادر کرده است. از هر زندانی پرسیده می‌شود: با زمانت را قبول داری یا نه؟ حاضری نما بخوانی یا نه؟ همکاری می‌کنی یا نه؟ در اعدام‌ها فرد هم گروهت شرکت می‌کنی یا نه؟ کسانی که جواب منفی داده اند تاکنون کشته شده اند یا در آینه کشته می‌شوند. در بسیاری از زندان‌های شهرستان‌ها نیز تقریباً تمام زندانیان را یک با یک قتل عام کرده‌اند. در اولین دروازه‌ها نوا میرزندانان یک بند را در یک اتاق جمع کرده و آن را متفجر کرده‌اند. اعدام‌شدگان در گروه‌های دسته جمعی که با بولدوزر خرمی شوند، بدون کفن و دفن بی نام و نشان در جال می‌شوند، اما اعدام‌ها پنهانی انجام شده و حتی اجازه وصیت و آرزوی پسران دیدار با عزیزان نیز داده نشده است. خانواده‌های شهدا تهدید شده اند که در صورت برگزاری مراسم یا دیود، آماج انتقام جویی قرار خواهند گرفت.

در این جنایت هولناک دهها تن از مفاخر بزرگ ملی ایران، رهبران جنبش ترقی عمود ایران، مبارزان پر سابقه‌ای که دهها سال از عمر خود را در زندان‌های شاه و خمینی در دفاع از صلح، دموکراسی و استقلال کشور سپری کرده‌اند، بسیاری از فاحش‌ان شکنجه‌ها و دوزخیم، از قهرمانان مبارز و مقاومت، قتل عام شده‌اند. در این کشتارنا مداران ادب و فرهنگ، شخصیت‌های سرچشمه علمی و هنری، زنان و مردانی که کارنامه‌شان ما به افتخار و خلق ایران‌بانان، طعمه کینه‌خیزان حاکم گشته‌اند.

رژیم در این کشتار کوشیده است این سرمایه‌های بزرگ معنوی مردم ایران را به ناسودی کشد. اما آثار فرهنگی، علمی و اجتماعی گرانمایگانی چون نیک‌آئین‌ها، جوان‌شیرها، بوهوهرمان‌ها و آگاهی‌ها جاودانه خواهند ماند. رژیم در این کشتار کوشیده است روحیه مقاومت را در میان اسیران و در بین مردم در هم شکند. اما حماسه مقاومت صمیمی اسلامی‌ها، با قزاق‌ها، همایون‌ها، محمدعلی برنوی‌ها، تشیدها، خطبه‌ها و دیگران و دیگران و ختم‌گویی انبوه جمعیت بر مزار اوردرخانه شهیدان، اوج گیری نفرت تمام مردم ایران از جنایت‌ها و رژیم و تشدید اعتراض مردم دنیا علیه کشتارها، نشانه شکست رژیم در شکستن روحیه مردم است.

رژیم جمهوری اسلامی که مدت ۸ سال با ادامه جنگ جان بیش از یک میلیون انسان را قربانی اهداف ارتش‌های خودگرد، پس از شکست در جنگ به انتقام جویی از صلح‌جویان و آزادیخواهان روی آورده است. رژیمی که این همه جنایت کرده است، رژیمی که همه مخالفان سیاسی خود را نابود می‌کند، رژیمی که در آن هیچ نیروی مخالفی حق فعالیت ندارد، رژیمی که حتی اطرافیان منتقد خود را نیز بدین دسته اعدام می‌کند، مورد تنفر مردم ایران است. جنایات این رژیم با این ندادارند. مردم کشور ما به ویژه فرزندان ما با وجود غدا زندان نیسیان سیاسی، از رخسارها و زهرآسای آزاده‌ای که برای انسان احترام قابل است، قربانی طلبند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به نام صرف و انسانیت، همراه با تمام خانواده‌های زندانیان و شهیدان، همداستان تمام مردم ایران که بر این سرکوب این رژیم تکیه‌کارا تحمل می‌کنند، از شما انتظار داریم که این جنایات هولناک را صریحا و قاطعانه محکوم کنید. ما از شما می‌خواهیم و انتظار داریم از شما دین فاجعه ملی که در کشور ما رخ داده است، مردم کشور خود را مطلع سازید. وحشی‌گری‌ها و خون‌ریزی‌ها رژیم اسلامی را در شرایط و در رسانه‌های گروهی کشور تسلیح با زتاب دهید. با هر امکانی که در دست دارید، دست جلادان رژیم را از اذیت کردن زندانیان سیاسی کوتاه کنید. بگذار تا منشریت بداند که کسانیکه راستی مدافع حقوق بشرند و چه کسانی بر جرم دروغین حقوق بشر را برافراشته‌اند. بگذار منشریت بداند حتی سر زندان ما نماند. با هر امکانی که در دست دارید، با بی‌امال شده است. با شکوه اعتراضی قاطع علیه این جنایات تفریحی که در کشور ما شما می‌گذرد، موج کشتار باقی ماندگان در زندان‌های سیاسی ایران را متوقف سازد. بگذار مردم جنگ زده و ستم‌کشیده ایران دریا سنده در روزهای سخت، دست‌یاری و همدردی به سوی انسان دراز می‌کنند.

با این امید که با تک اعتراض شما علیه موج اعدام‌ها در ایران، جان باقی‌مانده زندانیان سیاسی دفاع از امرک برهانند

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۲۲ دسامبر ۱۹۸۸

- ۱۷- محمد احمد تژاد (اعدام شده در زندان سبز)
- ۱۸- امیر احمدی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۹- جمیل احمدی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۲۰- پیروز احمدی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۱- احمد درویشیان (حزب توده ایران)
- ۲۲- سرویس‌دایی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۳- قلامر خادادی (حزب توده ایران)
- ۲۴- خسرو اسدی
- ۲۵- علیرضا اسکندری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۶- جمال اسکندری (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۲۷- صدق اسلامی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۸- مرتضی اسلامی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۹- اسماعیلی (سازمان مجاهدین خلق ایران)
- ۳۰- حکمت اسماعیلی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۳۱- اسدالله اسدی
- ۳۲- فاطمه افشاری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)

- ۱- یوسف آخوند (راه‌کارگر)
- ۲- گل‌علی آتیک (حزب توده ایران)
- ۳- حسن آفرخوب (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۴- کیان آذرونی (سازمان فدائیان خلق ایران پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۵- اصغر آرمسته (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۶- حضرت‌الله (امیر) (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۷- مهر انگیز کاک (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۸- سیاوش آقامیان زاده
- ۹- مختار آوی‌هنگ (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۰- مرطبه آیت‌الله زاده میرزایی (سازمان مجاهدین خلق ایران)
- ۱۱- اسدالله امینی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۲- سرگون ایرانی
- ۱۳- مهت ایرانی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۴- محمدرضا ایرانی
- ۱۵- میرزاالله ایرانی (سازمان فدائیان خلق ایران کومله)
- ۱۶- رحیم ایرانی (سازمان فدائیان خلق ایران کومله)

- ۳۳- سرنگ ابوالقاسم انزلی (حزب توده ایران)
- ۳۴- سعید انصاری (سازمان مجاهدین خلق ایران)
- ۳۵- دکتر محمد حسین اکبر زاده یوسفی
- ۳۶- کسری اکبری کردستانی (حزب توده ایران)
- ۳۷- محمود اکبری (سازمان مجاهدین خلق)
- ۳۸- رضا انزلی
- ۳۹- اقبال انزلی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۴۰- ناصر انصاری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۴۱- سیامک المصائب (سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران اقلیت)
- ۴۲- حمزه الهامی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۴۳- پرویز الهی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۴۴- سعید امامی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۴۵- قلامر طاووسی (حزب توده ایران)
- ۴۶- مصطفی ایزدی
- ۴۷- ناصر ایله‌قانی (حزب توده ایران)
- ۴۸- مجید ایوانی (سازمان چریک‌های فدایی خلق اقلیت)
- ۴۹- جمشید باهالی
- ۵۰- تیمور بابایی
- ۵۱- بازرگان (حزب توده ایران)
- ۵۲- بهمن باقرزاده (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۵۳- ابوتراب باقرزاده (حزب توده ایران)
- ۵۴- عبدالعظیم باقری
- ۵۵- احمد بابایی (سازمان فدائیان خلق ایران کومله)
- ۵۶- صلاح پور تیر (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۵۷- بهت آبادی
- ۵۸- ناصر بدری
- ۵۹- حبیب‌زین‌آرا (سازمان مجاهدین خلق)
- ۶۰- معتمد درویشیان (سازمان مجاهدین خلق)
- ۶۱- کامران درویشی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۶۲- کیومرث درویشی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۶۳- امیر بهمن‌تاش (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۶۴- بهرام بهمن‌تاش (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۶۵- اکبر بهزاد پور (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۶۶- منوچهر بهزادی (حزب توده ایران)
- ۶۷- سیامک بهزادی
- ۶۸- محمود بهکی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۶۹- علی بهکی (سازمان چریک‌های فدایی خلق اقلیت)
- ۷۰- بهرام بیداریان (سازمان مجاهدین خلق)
- ۷۱- ناصح‌امین بیدگانی (حزب توده ایران)
- ۷۲- محمد (حسین) بیدگانی (سازمان فدائیان خلق ایران پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۷۳- کمال‌الدین پاکدل (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۷۴- محمد علی پرتوی (مبارز و زندانی سیاسی سرشناس دوران ستم‌های)
- ۷۵- اسدالله پژمان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۷۶- پناهنده
- ۷۷- سید محمود پناهی
- ۷۸- مهر دادپای ششمی
- ۷۹- اسدالله پنجه‌قلمی
- ۸۰- علیق‌پور احمدی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۸۱- اسماعیل پور محمدی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۸۲- مرشد پیر تژاد
- ۸۳- سعید تاج‌دینی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۸۴- تاجگردان
- ۸۵- کریم تالابی
- ۸۶- محسن تراب‌زاده (سازمان مجاهدین خلق)
- ۸۷- علیرضا تهاجدی (راه‌کارگر)
- ۸۸- ۹۲- هوشرو خانواد تقی‌زاده
- ۹۳- توفیق (سازمان مجاهدین خلق)
- ۹۴- علی توغوزیان
- ۹۵- جابر تهران کعبی
- ۹۶- ثابته (سازمان مجاهدین خلق)
- ۹۷- فرید ثابته
- ۹۸- ثابته‌تاش
- ۹۹- احمد ثابته‌تاش (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۰۰- دکتر جعفر جاویدفر (حزب توده ایران)
- ۱۰۱- جلیل جباری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۰۲- مولاجلی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۰۳- ابوبکر جدیدالاسلام (حزب توده ایران)
- ۱۰۴- عباس جعفری
- ۱۰۵- حسن جلالی (حزب توده ایران)
- ۱۰۶- محمد خاچاطوری (حزب توده ایران)
- ۱۰۷- اسماعیل جمیلی (حزب توده ایران)
- ۱۰۸- تاسم جواد (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۰۹- حسین چوهدت (حزب توده ایران)
- ۱۱۰- جعفر جهانگیری
- ۱۱۱- ابراهیم چاوشی
- ۱۱۲- محمد حاتم
- ۱۱۳- هدایت‌الله حاتم (حزب توده ایران)
- ۱۱۴- امیر حاتم (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۱۵- امیر حسین حاج محسن
- ۱۱۶- فرهاد حاج میرزایی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۱۷- اسحاق حاج ملکی (حزب توده ایران)
- ۱۱۸- لیلی حاجیان تژاد (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۱۹- حجازی
- ۱۲۰- تادر حبیبی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۲۱- محسن حجری بدستانی (حزب توده ایران)
- ۱۲۲- عباس حریری (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۲۳- منصور حریری (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۲۴- محمود حسن پور اصرار (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۲۵- ابراهیم حسن پور شیرازی (حزب توده ایران)
- ۱۲۶- محمد حسینی پاک (حزب توده ایران)
- ۱۲۷- محسن حسن پور (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۲۸- شمس‌الحسین پور (حزب توده ایران)
- ۱۲۹- رحیم حسین پور رودسری (راه‌کارگر)
- ۱۳۰- محمد حسین خوانی (حزب توده ایران)
- ۱۳۱- محمد حسینی
- ۱۳۲- امیر حسین حسینی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۳۳- قلام حق‌بیان (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۳۴- حسن حقیقت (سازمان مجاهدین خلق)

- ۱۳۵- عبدالطلی مقبلیان رودسری
- ۱۳۶- حمید حقی خنج (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۳۷- حمید زری بنی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۳۸- علی تقی محمدیان
- ۱۳۹- تاجیه حوالجی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۴۰- شهریار میدری (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۴۱- ظفر میدری
- ۱۴۲- کریم حیدر نژاد
- ۱۴۳- علی خاتونی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۴۴- تقی خان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۴۵- محمد حسین خانی کارگر
- ۱۴۶- اسعد خاموشی
- ۱۴۷- حمید خاوریپور (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۴۸- مجید خردوزی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۴۹- پرویز خسروی (سازمان چریک‌های فدائیان خلق اکثریت)
- ۱۵۰- خسرو خسروی
- ۱۵۱- مصطفی خظری (اعدام شده در زندان سبز)
- ۱۵۲- ابوالحسن خظری (حزب توده ایران)
- ۱۵۳- اکبر شطیپی (حزب توده ایران)
- ۱۵۴- خضایی
- ۱۵۵- شایخار خواجهیان خرامرز (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۵۶- حسن خوانساری
- ۱۵۷- حمید خواجهی (سازمان فدائیان خلق اکثریت)
- ۱۵۸- کاظم خواجهی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۵۹- کاظم خوشدل
- ۱۶۰- کریم خوش‌فلاق (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۶۱- فرزاد فنگر (حزب توده ایران)
- ۱۶۲- بهرام دادور (حزب توده ایران)
- ۱۶۳- اسدالله داریک‌بنی
- ۱۶۴- ابراهیم دانایی
- ۱۶۵- دکتر احمد دانایی (حزب توده ایران)
- ۱۶۶- بهرام دانایی (حزب توده ایران)
- ۱۶۷- منصور داوریان
- ۱۶۸- مهدتی داودی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۶۹- احمد میدرزاده (حزب توده ایران)
- ۱۷۰- ۵۵۵ خفاخانه داودی
- ۱۷۱- حسین فردوسی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۷۲- سیلا درویشی کهن
- ۱۷۳- سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت
- ۱۷۴- محمد دریاباری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۷۵- حسن دشت‌آرا (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۷۶- منصور دلال‌زاده
- ۱۷۷- منصور دلاور
- ۱۷۸- محسن دیلمانی (حزب توده ایران)
- ۱۷۹- علی رفاذیلی (حزب توده ایران)
- ۱۸۰- محمدرضا دلیلی (حزب توده ایران)
- ۱۸۱- ایلی دلیلی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۸۲- حمید دوست محمدی
- ۱۸۳- احمد دوست محمدی
- ۱۸۴- تقی دیانت (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۸۵- منصور دیانت (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۸۶- محمد حسن دینک شوری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۸۷- اسامیل ذوالقدر (حزب توده ایران)
- ۱۸۸- پرویز ذوالفقاری
- ۱۸۹- حسین راسخ (حزب توده ایران)
- ۱۹۰- شهریار راهی (سازمان چریک‌های فدائیان خلق اکثریت)
- ۱۹۱- تیمور راوندی (حزب توده ایران)
- ۱۹۲- طاهر ربیعی (حزب توده ایران)
- ۱۹۳- جمیل رستمی (سازمان چریک‌های فدائیان خلق اکثریت)
- ۱۹۴- محمد شارجانی (حزب توده ایران)
- ۱۹۵- محمدرحمانی مند (حزب توده ایران)
- ۱۹۶- صلاح ربیعی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۹۷- رحمتیان
- ۱۹۸- محمد رحیم‌زاده (سازمان چریک‌های فدائیان خلق اکثریت)
- ۱۹۹- حسین رحیمیان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۰۰- احمد رحیمی
- ۲۰۱- محمد روزانی
- ۲۰۲- آصف روزانیده (حزب توده ایران)
- ۲۰۳- پرویز رستم‌علی‌پور
- ۲۰۴- روح‌زاده
- ۲۰۵- احمدعلی رضی (حزب توده ایران)
- ۲۰۶- جمال رضایی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۲۰۷- اصدر رضایی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۰۸- منوچهر رضایی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۰۹- سعید رمضان‌لو (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۱۰- حسین روزجانی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۱۱- عادل روزدار (حزب توده ایران)
- ۲۱۲- رودی
- ۲۱۳- محمدریاضی (راه کارگر)
- ۲۱۴- مجتبی ریاضی (راه کارگر)
- ۲۱۵- فاطمه زارعی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۱۶- عزت‌الله زارع (حزب توده ایران)
- ۲۱۷- بهمن زکی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۱۸- علی‌مزدیان (سازمان پیکار)
- ۲۱۹- ۲۲۰- ۲۲۱- ۲۲۲- ۲۲۳- ۲۲۴- ۲۲۵- ۲۲۶- ۲۲۷- ۲۲۸- ۲۲۹- ۲۳۰- ۲۳۱- ۲۳۲- ۲۳۳- ۲۳۴- ۲۳۵- ۲۳۶- ۲۳۷- ۲۳۸- ۲۳۹- ۲۴۰- ۲۴۱- ۲۴۲- ۲۴۳- ۲۴۴- ۲۴۵- ۲۴۶- ۲۴۷- ۲۴۸- ۲۴۹- ۲۵۰- ۲۵۱- ۲۵۲- ۲۵۳- ۲۵۴- ۲۵۵- ۲۵۶- ۲۵۷- ۲۵۸- ۲۵۹- ۲۶۰- ۲۶۱- ۲۶۲- ۲۶۳- ۲۶۴- ۲۶۵- ۲۶۶- ۲۶۷- ۲۶۸- ۲۶۹- ۲۷۰- ۲۷۱- ۲۷۲- ۲۷۳- ۲۷۴- ۲۷۵- ۲۷۶- ۲۷۷- ۲۷۸- ۲۷۹- ۲۸۰- ۲۸۱- ۲۸۲- ۲۸۳- ۲۸۴- ۲۸۵- ۲۸۶- ۲۸۷- ۲۸۸- ۲۸۹- ۲۹۰- ۲۹۱- ۲۹۲- ۲۹۳- ۲۹۴- ۲۹۵- ۲۹۶- ۲۹۷- ۲۹۸- ۲۹۹- ۳۰۰- ۳۰۱- ۳۰۲- ۳۰۳- ۳۰۴- ۳۰۵- ۳۰۶- ۳۰۷- ۳۰۸- ۳۰۹- ۳۱۰- ۳۱۱- ۳۱۲- ۳۱۳- ۳۱۴- ۳۱۵- ۳۱۶- ۳۱۷- ۳۱۸- ۳۱۹- ۳۲۰- ۳۲۱- ۳۲۲- ۳۲۳- ۳۲۴- ۳۲۵- ۳۲۶- ۳۲۷- ۳۲۸- ۳۲۹- ۳۳۰- ۳۳۱- ۳۳۲- ۳۳۳- ۳۳۴- ۳۳۵- ۳۳۶- ۳۳۷- ۳۳۸- ۳۳۹- ۳۴۰- ۳۴۱- ۳۴۲- ۳۴۳- ۳۴۴- ۳۴۵- ۳۴۶- ۳۴۷- ۳۴۸- ۳۴۹- ۳۵۰- ۳۵۱- ۳۵۲- ۳۵۳- ۳۵۴- ۳۵۵- ۳۵۶- ۳۵۷- ۳۵۸- ۳۵۹- ۳۶۰- ۳۶۱- ۳۶۲- ۳۶۳- ۳۶۴- ۳۶۵- ۳۶۶- ۳۶۷- ۳۶۸- ۳۶۹- ۳۷۰- ۳۷۱- ۳۷۲- ۳۷۳- ۳۷۴- ۳۷۵- ۳۷۶- ۳۷۷- ۳۷۸- ۳۷۹- ۳۸۰- ۳۸۱- ۳۸۲- ۳۸۳- ۳۸۴- ۳۸۵- ۳۸۶- ۳۸۷- ۳۸۸- ۳۸۹- ۳۹۰- ۳۹۱- ۳۹۲- ۳۹۳- ۳۹۴- ۳۹۵- ۳۹۶- ۳۹۷- ۳۹۸- ۳۹۹- ۴۰۰- ۴۰۱- ۴۰۲- ۴۰۳- ۴۰۴- ۴۰۵- ۴۰۶- ۴۰۷- ۴۰۸- ۴۰۹- ۴۱۰- ۴۱۱- ۴۱۲- ۴۱۳- ۴۱۴- ۴۱۵- ۴۱۶- ۴۱۷- ۴۱۸- ۴۱۹- ۴۲۰- ۴۲۱- ۴۲۲- ۴۲۳- ۴۲۴- ۴۲۵- ۴۲۶- ۴۲۷- ۴۲۸- ۴۲۹- ۴۳۰- ۴۳۱- ۴۳۲- ۴۳۳- ۴۳۴- ۴۳۵- ۴۳۶- ۴۳۷- ۴۳۸- ۴۳۹- ۴۴۰- ۴۴۱- ۴۴۲- ۴۴۳- ۴۴۴- ۴۴۵- ۴۴۶- ۴۴۷- ۴۴۸- ۴۴۹- ۴۵۰- ۴۵۱- ۴۵۲- ۴۵۳- ۴۵۴- ۴۵۵- ۴۵۶- ۴۵۷- ۴۵۸- ۴۵۹- ۴۶۰- ۴۶۱- ۴۶۲- ۴۶۳- ۴۶۴- ۴۶۵- ۴۶۶- ۴۶۷- ۴۶۸- ۴۶۹- ۴۷۰- ۴۷۱- ۴۷۲- ۴۷۳- ۴۷۴- ۴۷۵- ۴۷۶- ۴۷۷- ۴۷۸- ۴۷۹- ۴۸۰- ۴۸۱- ۴۸۲- ۴۸۳- ۴۸۴- ۴۸۵- ۴۸۶- ۴۸۷- ۴۸۸- ۴۸۹- ۴۹۰- ۴۹۱- ۴۹۲- ۴۹۳- ۴۹۴- ۴۹۵- ۴۹۶- ۴۹۷- ۴۹۸- ۴۹۹- ۵۰۰- ۵۰۱- ۵۰۲- ۵۰۳- ۵۰۴- ۵۰۵- ۵۰۶- ۵۰۷- ۵۰۸- ۵۰۹- ۵۱۰- ۵۱۱- ۵۱۲- ۵۱۳- ۵۱۴- ۵۱۵- ۵۱۶- ۵۱۷- ۵۱۸- ۵۱۹- ۵۲۰- ۵۲۱- ۵۲۲- ۵۲۳- ۵۲۴- ۵۲۵- ۵۲۶- ۵۲۷- ۵۲۸- ۵۲۹- ۵۳۰- ۵۳۱- ۵۳۲- ۵۳۳- ۵۳۴- ۵۳۵- ۵۳۶- ۵۳۷- ۵۳۸- ۵۳۹- ۵۴۰- ۵۴۱- ۵۴۲- ۵۴۳- ۵۴۴- ۵۴۵- ۵۴۶- ۵۴۷- ۵۴۸- ۵۴۹- ۵۵۰- ۵۵۱- ۵۵۲- ۵۵۳- ۵۵۴- ۵۵۵- ۵۵۶- ۵۵۷- ۵۵۸- ۵۵۹- ۵۶۰- ۵۶۱- ۵۶۲- ۵۶۳- ۵۶۴- ۵۶۵- ۵۶۶- ۵۶۷- ۵۶۸- ۵۶۹- ۵۷۰- ۵۷۱- ۵۷۲- ۵۷۳- ۵۷۴- ۵۷۵- ۵۷۶- ۵۷۷- ۵۷۸- ۵۷۹- ۵۸۰- ۵۸۱- ۵۸۲- ۵۸۳- ۵۸۴- ۵۸۵- ۵۸۶- ۵۸۷- ۵۸۸- ۵۸۹- ۵۹۰- ۵۹۱- ۵۹۲- ۵۹۳- ۵۹۴- ۵۹۵- ۵۹۶- ۵۹۷- ۵۹۸- ۵۹۹- ۶۰۰- ۶۰۱- ۶۰۲- ۶۰۳- ۶۰۴- ۶۰۵- ۶۰۶- ۶۰۷- ۶۰۸- ۶۰۹- ۶۱۰- ۶۱۱- ۶۱۲- ۶۱۳- ۶۱۴- ۶۱۵- ۶۱۶- ۶۱۷- ۶۱۸- ۶۱۹- ۶۲۰- ۶۲۱- ۶۲۲- ۶۲۳- ۶۲۴- ۶۲۵- ۶۲۶- ۶۲۷- ۶۲۸- ۶۲۹- ۶۳۰- ۶۳۱- ۶۳۲- ۶۳۳- ۶۳۴- ۶۳۵- ۶۳۶- ۶۳۷- ۶۳۸- ۶۳۹- ۶۴۰- ۶۴۱- ۶۴۲- ۶۴۳- ۶۴۴- ۶۴۵- ۶۴۶- ۶۴۷- ۶۴۸- ۶۴۹- ۶۵۰- ۶۵۱- ۶۵۲- ۶۵۳- ۶۵۴- ۶۵۵- ۶۵۶- ۶۵۷- ۶۵۸- ۶۵۹- ۶۶۰- ۶۶۱- ۶۶۲- ۶۶۳- ۶۶۴- ۶۶۵- ۶۶۶- ۶۶۷- ۶۶۸- ۶۶۹- ۶۷۰- ۶۷۱- ۶۷۲- ۶۷۳- ۶۷۴- ۶۷۵- ۶۷۶- ۶۷۷- ۶۷۸- ۶۷۹- ۶۸۰- ۶۸۱- ۶۸۲- ۶۸۳- ۶۸۴- ۶۸۵- ۶۸۶- ۶۸۷- ۶۸۸- ۶۸۹- ۶۹۰- ۶۹۱- ۶۹۲- ۶۹۳- ۶۹۴- ۶۹۵- ۶۹۶- ۶۹۷- ۶۹۸- ۶۹۹- ۷۰۰- ۷۰۱- ۷۰۲- ۷۰۳- ۷۰۴- ۷۰۵- ۷۰۶- ۷۰۷- ۷۰۸- ۷۰۹- ۷۱۰- ۷۱۱- ۷۱۲- ۷۱۳- ۷۱۴- ۷۱۵- ۷۱۶- ۷۱۷- ۷۱۸- ۷۱۹- ۷۲۰- ۷۲۱- ۷۲۲- ۷۲۳- ۷۲۴- ۷۲۵- ۷۲۶- ۷۲۷- ۷۲۸- ۷۲۹- ۷۳۰- ۷۳۱- ۷۳۲- ۷۳۳- ۷۳۴- ۷۳۵- ۷۳۶- ۷۳۷- ۷۳۸- ۷۳۹- ۷۴۰- ۷۴۱- ۷۴۲- ۷۴۳- ۷۴۴- ۷۴۵- ۷۴۶- ۷۴۷- ۷۴۸- ۷۴۹- ۷۵۰- ۷۵۱- ۷۵۲- ۷۵۳- ۷۵۴- ۷۵۵- ۷۵۶- ۷۵۷- ۷۵۸- ۷۵۹- ۷۶۰- ۷۶۱- ۷۶۲- ۷۶۳- ۷۶۴- ۷۶۵- ۷۶۶- ۷۶۷- ۷۶۸- ۷۶۹- ۷۷۰- ۷۷۱- ۷۷۲- ۷۷۳- ۷۷۴- ۷۷۵- ۷۷۶- ۷۷۷- ۷۷۸- ۷۷۹- ۷۸۰- ۷۸۱- ۷۸۲- ۷۸۳- ۷۸۴- ۷۸۵- ۷۸۶- ۷۸۷- ۷۸۸- ۷۸۹- ۷۹۰- ۷۹۱- ۷۹۲- ۷۹۳- ۷۹۴- ۷۹۵- ۷۹۶- ۷۹۷- ۷۹۸- ۷۹۹- ۸۰۰- ۸۰۱- ۸۰۲- ۸۰۳- ۸۰۴- ۸۰۵- ۸۰۶- ۸۰۷- ۸۰۸- ۸۰۹- ۸۱۰- ۸۱۱- ۸۱۲- ۸۱۳- ۸۱۴- ۸۱۵- ۸۱۶- ۸۱۷- ۸۱۸- ۸۱۹- ۸۲۰- ۸۲۱- ۸۲۲- ۸۲۳- ۸۲۴- ۸۲۵- ۸۲۶- ۸۲۷- ۸۲۸- ۸۲۹- ۸۳۰- ۸۳۱- ۸۳۲- ۸۳۳- ۸۳۴- ۸۳۵- ۸۳۶- ۸۳۷- ۸۳۸- ۸۳۹- ۸۴۰- ۸۴۱- ۸۴۲- ۸۴۳- ۸۴۴- ۸۴۵- ۸۴۶- ۸۴۷- ۸۴۸- ۸۴۹- ۸۵۰- ۸۵۱- ۸۵۲- ۸۵۳- ۸۵۴- ۸۵۵- ۸۵۶- ۸۵۷- ۸۵۸- ۸۵۹- ۸۶۰- ۸۶۱- ۸۶۲- ۸۶۳- ۸۶۴- ۸۶۵- ۸۶۶- ۸۶۷- ۸۶۸- ۸۶۹- ۸۷۰- ۸۷۱- ۸۷۲- ۸۷۳- ۸۷۴- ۸۷۵- ۸۷۶- ۸۷۷- ۸۷۸- ۸۷۹- ۸۸۰- ۸۸۱- ۸۸۲- ۸۸۳- ۸۸۴- ۸۸۵- ۸۸۶- ۸۸۷- ۸۸۸- ۸۸۹- ۸۹۰- ۸۹۱- ۸۹۲- ۸۹۳- ۸۹۴- ۸۹۵- ۸۹۶- ۸۹۷- ۸۹۸- ۸۹۹- ۹۰۰- ۹۰۱- ۹۰۲- ۹۰۳- ۹۰۴- ۹۰۵- ۹۰۶- ۹۰۷- ۹۰۸- ۹۰۹- ۹۱۰- ۹۱۱- ۹۱۲- ۹۱۳- ۹۱۴- ۹۱۵- ۹۱۶- ۹۱۷- ۹۱۸- ۹۱۹- ۹۲۰- ۹۲۱- ۹۲۲- ۹۲۳- ۹۲۴- ۹۲۵- ۹۲۶- ۹۲۷- ۹۲۸- ۹۲۹- ۹۳۰- ۹۳۱- ۹۳۲- ۹۳۳- ۹۳۴- ۹۳۵- ۹۳۶- ۹۳۷- ۹۳۸- ۹۳۹- ۹۴۰- ۹۴۱- ۹۴۲- ۹۴۳- ۹۴۴- ۹۴۵- ۹۴۶- ۹۴۷- ۹۴۸- ۹۴۹- ۹۵۰- ۹۵۱- ۹۵۲- ۹۵۳- ۹۵۴- ۹۵۵- ۹۵۶- ۹۵۷- ۹۵۸- ۹۵۹- ۹۶۰- ۹۶۱- ۹۶۲- ۹۶۳- ۹۶۴- ۹۶۵- ۹۶۶- ۹۶۷- ۹۶۸- ۹۶۹- ۹۷۰- ۹۷۱- ۹۷۲- ۹۷۳- ۹۷۴- ۹۷۵- ۹۷۶- ۹۷۷- ۹۷۸- ۹۷۹- ۹۸۰- ۹۸۱- ۹۸۲- ۹۸۳- ۹۸۴- ۹۸۵- ۹۸۶- ۹۸۷- ۹۸۸- ۹۸۹- ۹۹۰- ۹۹۱- ۹۹۲- ۹۹۳- ۹۹۴- ۹۹۵- ۹۹۶- ۹۹۷- ۹۹۸- ۹۹۹- ۱۰۰۰- ۱۰۰۱- ۱۰۰۲- ۱۰۰۳- ۱۰۰۴- ۱۰۰۵- ۱۰۰۶- ۱۰۰۷- ۱۰۰۸- ۱۰۰۹- ۱۰۱۰- ۱۰۱۱- ۱۰۱۲- ۱۰۱۳- ۱۰۱۴- ۱۰۱۵- ۱۰۱۶- ۱۰۱۷- ۱۰۱۸- ۱۰۱۹- ۱۰۲۰- ۱۰۲۱- ۱۰۲۲- ۱۰۲۳- ۱۰۲۴- ۱۰۲۵- ۱۰۲۶- ۱۰۲۷- ۱۰۲۸- ۱۰۲۹- ۱۰۳۰- ۱۰۳۱- ۱۰۳۲- ۱۰۳۳- ۱۰۳۴- ۱۰۳۵- ۱۰۳۶- ۱۰۳۷- ۱۰۳۸- ۱۰۳۹- ۱۰۴۰- ۱۰۴۱- ۱۰۴۲- ۱۰۴۳- ۱۰۴۴- ۱۰۴۵- ۱۰۴۶- ۱۰۴۷- ۱۰۴۸- ۱۰۴۹- ۱۰۵۰- ۱۰۵۱- ۱۰۵۲- ۱۰۵۳- ۱۰۵۴- ۱۰۵۵- ۱۰۵۶- ۱۰۵۷- ۱۰۵۸- ۱۰۵۹- ۱۰۶۰- ۱۰۶۱- ۱۰۶۲- ۱۰۶۳- ۱۰۶۴- ۱۰۶۵- ۱۰۶۶- ۱۰۶۷- ۱۰۶۸- ۱۰۶۹- ۱۰۷۰- ۱۰۷۱- ۱۰۷۲- ۱۰۷۳- ۱۰۷۴- ۱۰۷۵- ۱۰۷۶- ۱۰۷۷- ۱۰۷۸- ۱۰۷۹- ۱۰۸۰- ۱۰۸۱- ۱۰۸۲- ۱۰۸۳- ۱۰۸۴- ۱۰۸۵- ۱۰۸۶- ۱۰۸۷- ۱۰۸۸- ۱۰۸۹- ۱۰۹۰- ۱۰۹۱- ۱۰۹۲- ۱۰۹۳- ۱۰۹۴- ۱۰۹۵- ۱۰۹۶- ۱۰۹۷- ۱۰۹۸- ۱۰۹۹- ۱۱۰۰- ۱۱۰۱- ۱۱۰۲- ۱۱۰۳- ۱۱۰۴- ۱۱۰۵- ۱۱۰۶- ۱۱۰۷- ۱۱۰۸- ۱۱۰۹- ۱۱۱۰- ۱۱۱۱- ۱۱۱۲- ۱۱۱۳- ۱۱۱۴- ۱۱۱۵- ۱۱۱۶- ۱۱۱۷- ۱۱۱۸- ۱۱۱۹- ۱۱۲۰- ۱۱۲۱- ۱۱۲۲- ۱۱۲۳- ۱۱۲۴- ۱۱۲۵- ۱۱۲۶- ۱۱۲۷- ۱۱۲۸- ۱۱۲۹- ۱۱۳۰- ۱۱۳۱- ۱۱۳۲- ۱۱۳۳- ۱۱۳۴- ۱۱۳۵- ۱۱۳۶- ۱۱۳۷- ۱۱۳۸- ۱۱۳۹- ۱۱۴۰- ۱۱۴۱- ۱۱۴۲- ۱۱۴۳- ۱۱۴۴- ۱۱۴۵- ۱۱۴۶- ۱۱۴۷- ۱۱۴۸- ۱۱۴۹- ۱۱۵۰- ۱۱۵۱- ۱۱۵۲- ۱۱۵۳- ۱۱۵۴- ۱۱۵۵- ۱۱۵۶- ۱۱۵۷- ۱۱۵۸- ۱۱۵۹- ۱۱۶۰- ۱۱۶۱- ۱۱۶۲- ۱۱۶۳- ۱۱۶۴- ۱۱۶۵- ۱۱۶۶- ۱۱۶۷- ۱۱۶۸- ۱۱۶۹- ۱۱۷۰- ۱۱۷۱- ۱۱۷۲- ۱۱۷۳- ۱۱۷۴- ۱۱۷۵- ۱۱۷۶- ۱۱۷۷- ۱۱۷۸- ۱۱۷۹- ۱۱۸۰- ۱۱۸۱- ۱۱۸۲- ۱۱۸۳- ۱۱۸۴- ۱۱۸۵- ۱۱۸۶- ۱۱۸۷- ۱۱۸۸- ۱۱۸۹- ۱۱۹۰- ۱۱۹۱- ۱۱۹۲- ۱۱۹۳- ۱۱۹۴- ۱۱۹۵- ۱۱۹۶- ۱۱۹۷- ۱۱۹۸- ۱۱۹۹- ۱۲۰۰- ۱۲۰۱- ۱۲۰۲- ۱۲۰۳- ۱۲۰۴- ۱۲۰۵- ۱۲۰۶- ۱۲۰۷- ۱۲۰۸- ۱۲۰۹- ۱۲۱۰- ۱۲۱۱- ۱۲۱۲- ۱۲۱۳- ۱۲۱۴- ۱۲۱۵- ۱۲۱۶- ۱۲۱۷- ۱۲۱۸- ۱۲۱۹- ۱۲۲۰- ۱۲۲۱- ۱۲۲۲- ۱۲۲۳- ۱۲۲۴- ۱۲۲۵- ۱۲۲۶- ۱۲۲۷- ۱۲۲۸- ۱۲۲۹- ۱۲۳۰- ۱۲۳۱- ۱۲۳۲- ۱۲۳۳- ۱۲۳۴- ۱۲۳۵- ۱۲۳۶- ۱۲۳۷- ۱۲۳۸- ۱۲۳۹- ۱۲۴۰- ۱۲۴۱- ۱۲۴۲- ۱۲۴۳- ۱۲۴۴- ۱۲۴۵- ۱۲۴۶- ۱۲۴۷- ۱۲۴۸- ۱۲۴۹- ۱۲۵۰- ۱۲۵۱- ۱۲۵۲- ۱۲۵۳- ۱۲۵۴- ۱۲۵۵- ۱۲۵۶- ۱۲۵۷- ۱۲۵۸- ۱۲۵۹- ۱۲۶۰- ۱۲۶۱- ۱۲۶۲- ۱۲۶۳- ۱۲۶۴- ۱۲۶۵- ۱۲۶۶- ۱۲۶۷- ۱۲۶۸- ۱۲۶۹- ۱۲۷۰- ۱۲۷۱- ۱۲۷۲- ۱۲۷۳- ۱۲۷۴- ۱۲۷۵- ۱۲۷۶- ۱۲۷۷- ۱۲۷۸- ۱۲۷۹- ۱۲۸۰- ۱۲۸۱- ۱۲۸۲- ۱۲۸۳- ۱۲۸۴- ۱۲۸۵- ۱۲۸۶- ۱۲۸۷- ۱۲۸۸- ۱۲۸۹- ۱۲۹۰- ۱۲۹۱- ۱۲۹۲- ۱۲۹۳- ۱۲۹۴- ۱۲۹۵- ۱۲۹۶- ۱۲۹۷- ۱۲۹۸- ۱۲۹۹- ۱۳۰۰- ۱۳۰۱- ۱۳۰۲- ۱۳۰۳- ۱۳۰۴- ۱۳۰۵- ۱۳۰۶- ۱۳۰۷- ۱۳۰۸- ۱۳۰۹- ۱۳۱۰- ۱۳۱۱- ۱۳۱۲- ۱۳۱۳- ۱۳۱۴- ۱۳۱۵- ۱۳۱۶- ۱۳۱۷- ۱۳۱۸- ۱۳۱۹- ۱۳۲۰- ۱۳۲۱- ۱۳۲۲- ۱۳۲۳- ۱۳۲۴- ۱۳۲۵- ۱۳۲۶- ۱۳۲۷- ۱۳۲۸- ۱۳۲۹- ۱۳۳۰- ۱۳۳۱- ۱۳۳۲- ۱۳۳۳- ۱۳۳۴- ۱۳۳۵- ۱۳۳۶- ۱۳۳۷- ۱۳۳۸- ۱۳۳۹- ۱۳۴۰- ۱۳۴۱- ۱۳۴۲- ۱۳۴۳- ۱۳۴۴- ۱۳۴۵- ۱۳۴۶- ۱۳۴۷- ۱۳۴۸- ۱۳۴۹- ۱۳۵۰- ۱۳۵۱- ۱۳۵۲- ۱۳۵۳- ۱۳۵۴- ۱۳۵۵- ۱۳۵۶- ۱۳۵۷- ۱۳۵۸- ۱۳۵۹- ۱۳۶۰- ۱۳۶۱- ۱۳۶۲- ۱۳۶۳- ۱۳۶۴- ۱۳۶۵- ۱۳۶۶- ۱۳۶۷- ۱۳۶۸- ۱۳۶۹- ۱۳۷۰- ۱۳۷۱- ۱۳۷۲- ۱۳۷۳- ۱۳۷۴- ۱۳۷۵- ۱۳۷۶- ۱۳۷۷- ۱۳۷۸- ۱۳۷۹- ۱۳۸۰- ۱۳۸۱- ۱۳۸۲- ۱۳۸۳- ۱۳۸۴- ۱۳۸۵- ۱۳۸۶- ۱۳۸۷-

### گزارش میخائیل گارباچف در سازمان ملل

۱۵ آذرماه با گشایش چهل و سومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، فرمت جدیدی فراهم گردید که عده زیادی از رهبران کشورهای مختلف جهان در تریبون سازمان ملل متحد، مواضع و نظرات خود را پیرامون بسیاری از مسائل جهان ابراز دارند. در این میان سخنرانی گارباچف، رهبری اتحاد شوروی، حاوی مسائلی فوق العاده مهم در رابطه با سازمان ملل و مناسبات بین المللی بوده که نبردهای آن را نقل می کنیم:

... مسائلی که بشریت امروز با آن روبروست با روش ها و وسایلی که گذشتگان آن استفاده می شد، قابل حل نیست، امروز ما با یک جهان متفلسف و روبرو هستیم که برای آن باید یک راه متفاوت را به سوی آینده جستجو کنیم. مسأله جهت حل مسائل جهانی مستلزم بعد و کیفیت تازه عمل مشترک کشورها و جریانات اجتماعی سیاسی آنها، بدون توجه به اختلافات ایدئولوژیکی و سایر اختلافات است. البته تغییرات بنیادی و تحولات انقلابی در جارجوب کشورهای متفرد و ساختارهای اجتماعی جداگانه ناسودمند است. چنین بوده و چنین نیز خواهد بود...

### اعتصاب ۷ میلیونی کارگران اسپانیا

در هفته گذشته اسپانیا دستخوش بزرگ ترین اعتصاب کارگری نیم قرن اخیر خود شد. اعتصاب سراسری که ۷ میلیون کارگردان شرکت داشتند دربرگیرنده همه عرصه های اصلی فعالیت تولیدی و خدماتی کشور بود. این اعتصاب به درخواست دو اتحادیه کارگری عده اسپانیا برای دستیابی به افزایش دستمزدها و حقوق و مزایای کارکنان بود و طی ۲۴ ساعت همه چیز را به حالت تعطیل درآورد. کارکنان مطبوعات اسپانیا نیز دست از کار کشیده بودند، تنها تلویزیون دولتی اسپانیا برای مدت کوتاهی برپا می ماند. خبری بخش کرد، اتحادیه های کارگری اسپانیا در توضیح انگیزه اعتصاب، گفته اند که برپا می ماند. «صرفه جویی» و کاهش بودجه های تامین اجتماعی دولت در زندگی کارگران و زحمتکشان عوارض منفی به جا گذاشته است. اعتصاب یکپارچه و سراسری کارگران اسپانیا که اقتضا دگرگونی به حال فلج درآورد، دولتیست اسپانیا را سراسر سمه کرده و فکرا را رهجویس و پاسخگویی عاجلانه واداشت.

### پیروزی بزرگ ساف

به دنبال سخنرانی یا سرعفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ژنو، دولت آمریکا به پذیرش مذاکره با سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) تن داد و در پی اعلام آما دگی آمریکا برای مذاکره، نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین و دولت آمریکا در تونیس اولین دور مذاکرات خود را آغاز کردند. این بیگ موفقیت سیاسی برای ساف محسوب می شود و به تحقق اهداف سیاسی آن کمک می کند. عرفات در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تریبون و ارائه مواضعی که در آخرین اجلاس شورای ملی فلسطین اتخاذ شده بود، به صراحت اعلام داشت که «ساف» حق زیست اسرائیل را به رسمیت می شناسد. قطعنامه های اصلی شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرامون خاور میانه را می پذیرد و تروریسم را نفی می کند. منشی جدید ساف که نشانها و قبحگرو و انعطاف رهبران جنبش مقاومت فلسطین است، آمریکا را مجبور ساخت در سیاست خاور میانه اش تجدید نظر کند و مذاکره با ساف را به عنوان تنها نماینده قانونی مسردم فلسطین، علیرغم مخالفت های سرخستانه اسرائیل بپذیرد. این امر به نوبه خود فاصله بین سیاست آمریکا و اسرائیل را در رابطه با مسئله فلسطین بیشتر کرده و ساختار اختلاف در هیئت کارگزار اسرائیل افزوده است، در حالی که اسحق مایر نخت و وزیر اسرائیل اظهار داشت که: «علیرغم هر روش معتدلی که ما فیه نمایشنیم، بزرگراه هرگز ما را به عنوان طرف مناسب برای گفتگو جهت رسیدن به صلح نمی پذیرد». ششمون پروز عرفات پیشنهاد کرد، اسرائیل خود نیز با پذیرش اهدافی ارائه کند. وی نیز ما نعت عرفات که از اسرائیلیها دعوت کرد برای مذاکرات به ژنو بیایند، از فلسطینیان دعوت به عمل آورد که برای هرگونه مذاکره با اسرائیل بروند. نمایندگان جبکرای بارلمان اسرائیل فریاد زدن گفتند، این همان چیزی است که عرفات پیشنهاد کرده است.

### نخست وزیر یی نظیر بوتو

بی نظیر بوتو که پیش از کسب یک اکثریت نسبی پارلمانی توسط حزب مردم پاکستان، به سمت نخست وزیر پاکستان برگزیده شده است، با کوهی از مشکلات سیاسی و اقتصادی روبرو است. وجود مشکلات محلی و قومی، مظل بزرگ مربوط به مسئله چگونگی تنظیم رابطه با نظامیان قدرتمند که طی چند دهه در پاکستان آتایی کرده اند، اقتصاد نادر و شکسته، درگیری سفیها در رژیم اسلام آباد مسئله افغانستان، چگونگی پیوند بخشیدن رابطه با هندوستان و بلاخره امر مهمتامن و احیاء دیکراسی در کشور مسایلی است که خاتمه یوتو پیش رو دارد. یوتو در رابطه با مسئله افغانستان تا کنون مواقع متضادی را دنبال کرده است. از طرفی بی نظیر گفته است که دولت پاکستان به حمایت از تحولات قرار داد ژنو موظف خواهد بود، از طرف دیگر به ادامه پشتیبانی پاکستان از نیروهای ضد انقلاب افغان تا کایدور رسیده است. هم اکنون رسانه های گروهی امپریالیستی مدام اهمیت اقدامات آمریکا و وحما میرا از نیروهای ضد انقلاب را به خاتمه یوتو یاد ورمی شوند و خاتمه یوتو نیز شامل خود را به توسعه بیشتر رابطه با آمریکا برآورد شده است.

منشی جدید ساف که در ژنو در هیئت اجلاس شورای ملی فلسطین به تصویب رسید و آن را اعلام کشسور مستقل فلسطینی نیز پذیرفته شد، ابتدا با واکنش سرد و خشمگینانه اسرائیل و آمریکا مواجه گردید و وزارت خارجه آمریکا با تاخیر اعلام داشت که مموات شورا هنوز برای آغاز گفتگو بین آمریکا و ساساف کافی نیست. به دنبال این موضع گیری بود که آمریکا از صدور ویدبرای واردی سرعفات به عربی مواجده شد. اما کشورهای غفوسا زمان ملل به استثنای آمریکا و اسرائیل، برای خود مبنی بر انتقال اجلاس مجمع عمومی برای سخنرانی عرفات به ژنو، این واکنش آمریکا را محکوم کردند. انتقال اجلاس مجمع به ژنو، شکست مفتضحانه ای برای آمریکا و اسرائیل بود.

... مرحله جدید همچنان مستلزم غیرایدئولوژیک کردن روابط و مناسبات کشورهای است. اعتقادات فلسفی و معنویات خود را ترک نمی گوئیم و چنین کاری را هم از دیگران طلب نمی کنیم. در جریان مبادلات باید ادا زده ده که هر یک برتری سیستم سیاسی، طرز زندگی و ارزش های خود را نشان دهد آن همه نقطه با کلمات و تبلیغات، بلکه با اقدامات.

گارباچف در زمینه اصلاح و بازاری مناسبات بین المللی و نقش سازمان ملل متحد اظهار داشت: «یقین دارم که زمان و واقعیت های جهان امروز مستلزم بین المللی ساختن پرسه تنبادل نظرو مذاکره است... جهان باید بر خورد خود را در قبال سازمان ملل متحد نشان دهد. این مورد تجدید نظر قرار دهد. تقویت نقش فضا صلح ای سازمان ملل در افکار و ذهن در کم به کشورهای غم و در مواجده با آزمون هاتشان داده است.

گارباچف با اشاره به نقش منفعل این ارکان جهانی در دوره معینی و حتی سوء استفاده آن توسط برخی و فعال که ترویج داده است، برآورد، برآورد احیاء و فعال کردن آن تاکید ورزید.

گارباچف با اشاره به قروضی را می بسیاری از کشورها، تاکید کرد که دوران استعمار جهان به پیشرفته به پای خسار و قربانی های بی شمار رساند. رفا بخش بزرگی از جامعه جهانی همرا بوده است. در عین حال پیشنهادی جهت رفع این مشکل جهانی از جمله تعیین جدول زمانی ۱۰۰ ساله برای بازپرداخت برخی از بدهی ها و نادیده گرفتن بهره دیگری از آنها، ارائه نمود.

سخرانی عرفات به استقبال وحما یست بی سابقه نمایندگان همه کشورهای جهان مواجده شد.

صراحت و قاطعیت ساف در حل و فصل صلح خواهانه مساله فلسطین و بی تاثیر شدن سیاست تحریم مذاکره با ساف (به عنوان تنها نماینده مسردم فلسطین)، قبل از هر چیز بتکی بر روز موازاده قاطعانه ای است که به ویژه در طول یک سال گذشته، خلق قهرمان فلسطین از خود برزاده است. این قیام و موازاده تا پای جان مردم فلسطین بوده که آمریکا را به عقب نشینی واداشته و به یاری میز مذاکره گشاسده است. با توجه به اینکه آمریکا عده ترین حامی اسرائیل است و کمک های وسیع نظامی و سیاسی خود را در کشور به او میساند، ما جارجوبا نشه تا کنون ترغیب کرده است. تا شرمعینی بر حصول اوضاع خاور میانه عربی خواهد داشت و زمینه تشکیل اجلاس بین المللی صلح خاور میانه فراهم نخواهد شد.

رهبر شوروی در رابطه با مسائل منطقه ای به نقش سازمان ملل متحد در برقراری صلح در منطقه بحرین اشاره کرد و از بارقه میدرد سال ۱۹۸۸ در این باره یاد کرد و برآورد افغانی که عسند رعایت مفاد قرار داد ژنو پیرامون مسئله افغانستان (توسط پاکستان و آمریکا) تضمین اهداف آن را امکان پذیر نکرده است، پیشنهاد کرد که از اول ژانویه آتش بس در همه جا برقرار گردد. در مدت مذاکره از تحولی اسلحه به طرف های متخاصم خواهد شد و سبها این حافظ صلح سازمان ملل متحد در تقیاط مختلف استقرار یابد. سازمان ملل با پیگیری نقش خود در مسئله افغانستان به تضمین بی طرفی و غیرنظامی بودن افغانستان و همچنین برقرار بازاری آن کشور نظر کند.

سیاسی آن کشور گفته است که برای جلب اعتماد مقامات ارشد نظامی و سیاسی کشور، محتاطانه کام برخواهد داشت. در این رابطه بسیاری از مقامات ارشد نظامی و سیاسی از حقوق رئیس جمهور متقول پاکستان رادرسمت های خود با قاعده کرده است و سردا و همسان سیاست های خارجی و دفاعی کشور مهترانیم شده است. اسقاء صاحب زاده یعقوب خان در سمت وزارت امور خارجه که معنای جلب اعتماد نظامیان را دارد، طبیعا اختیار را توار در دست رانده است. در ایستگارات جدید در این زمینه محدود خواهی بود. حالی که اتخاذ دروش های جدید برای تنظیم و پیروید رابطه با آمریکا به ویژه با هند، همسایه بزرگ شرقی پاکستان، یکی از مسایلی و وظایف در دستور کار خاتمه یوتو است.

گارباچف، در سازمان ملل متحد، تصمیم کشور خود یعنی برکاتش یک جانبه نیروهای مسلح اتحاد شوروی به نفع ۵۰۰ هزار نفر و گاهن تسلیحات عادی به طور جدی را اعلام داشت و گفت ما برآساس توافق با متحدین بیما و روش تصمیم گرفته ایم تا سال ۱۹۹۸، ۶ شرکتانک را از آلمان به مکرانسیک، چکسلواکی و مجارستان خارج و آنها را از زمین بریم. همچنین از گروه نیروهای شوروی تا جایی مستقر در این کشورها نیز همرا با سلاحها و تجهیزات جنگی شان خارج ساخته خواهد شد و تعداد آنها به ۵۰ هزار نفر و سلاح های آنها به ۵ هزار تنک تقلیل می یابد. به طور همزمان شمار پرسنل نیروها و کمیت تسلیحات در بخش اروپایی اتحاد شوروی نیز کاهش خواهد یافت و همچنین طبق توافق با دولت جمهوری مغولستان، بخش قابل توجهی از نیروهای شوروی که موقتاً در آن جا مع مستقر هستند، به کشور باخا خواهند گشت.

### فاجعه زلزله در ارمنستان

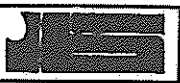
روزشانزدهم آذر، زلزله شدیدی در ارمنستان و ماوراء قفقاز رخ داد. حادثه در شوروی از لرزاند، خبرگزاری ها شدت زمین لرزه را تا ۱۰ درجه بیشتر گزارش کردند. این زلزله از لرزه تلسقات انسانی و میزان خرابی که به بار آمده، کمابینه بوده است. مقامات اتحاد شوروی شمار کشته شدگان را تا ۶ هزار نفر اعلام کرده اند. شکراملی زلزله، شیرلینیاکان ارمنستان بود. دوشهر دیگر ارمنستان، کیروف آباد و استپاک ونزدیک به ۵۰ روستا با خاک یکسان شده است. دولت شوروی به بنا نسبت وقوع این فاجعه انسانی یک روز عزای عمومی اعلام کرد. مردم سراسر شوروی برای کمک رسانی به زلزله زدگان بسیج شدند. به علت سنگینی فوقا لعاده فاسیسات و آرده اتحاد شوروی برای اولین بار، سایر کشورهای جهان را نیز به یاری طلبید. بسیاری از کشورهای به یاری زلزله زدگان شتافتند.

پاکستان که در وضعیت اقتصادی نامطلوبی قرار دارد، با یک رقم بزرگ بدهی خارجی، چهار میلیاردی در رویه کسری مواز برده است، کاهش شدید ارزش پول و ۱۰ میلیون بیکار در دست بدرگیمان است. بی نظیر بوتو اذعان داشته است که به موجب شرایطی که صندوق بین المللی پول برای کمک مالی به پاکستان تعیین کرده، اقداماتی در جهت صرفه جویی های اقتصادی به عمل خواهد آمد. بدینی است که یکی از این صرفه جوییها حذف سوسید تعدادی از کالاهای مورد نیاز مردم خواهد بود و این طبعاً بر فراکت زندگی مردم خواهد افزود.

با در نظر داشت مسایل فوق، آزادی همه زندانیان سیاسی پاکستان در اولین روزهای حکومت خاتمه یوتو را بنا بدنا دیده گرفت. در این عرصه ها، تعبیرات محسوس و مثبتی را در اوضاع سیاسی پاکستان با یاد نظر رداشت.

حساب بانکی  
AUSTRIA - WIEN  
BAWAG  
NR. 029 10701 - 650  
DR. GERTRAUD ARTNER





### تصمیمات اخیر ایک

اجلاس آذربایجان سازمان کشورهای ما درکننده نفت (اوپک) با توافق بر سر سهمیه بندی تولید نفت و کاهش سقف تولید این سازمان تا حد ۱۸ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز برای سال ۱۹۸۹ میلادی و با موفقیت به پایان رسید.

اختلافات ایران و عراق، با افزایش نسبی سهمیه ایران و توافق این کشور با سهمیه عراق که با اختصاص بخشی از سهمیه عربستان و کویت به آن، بسیار بالاتر از سهمیه واقعی عراق و معادل ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز است، حل گردید. بدین ترتیب عمده ترین مسأله مورد مناقشه در اوپک حل شد.

موضوع دیگر مورد اختلاف در اوپک، تعیین سطح قیمت نفتی بود. عربستان سعودی با طرح ایده تثبیت قیمت نفت در حد ۱۵ دلار، اجلاس را دچار مشکل جدی نمود. حاصل این اقدام عربستان که کاهش سریع قیمت نفت در بازارهای جهانی بود، در چند سال اخیر سازمان اوپک تلاش نموده است که با محدود کردن سقف تولید، ضمن توافق با کشورهای ما درکننده نفت غیر اوپک، قیمت نفت را در ۱۸ دلار تثبیت نماید. برخی کشورها قیمت بالاتری را پیشنهاد می نمایند. این بار رنیز اوپک به سران استراتژی خود باقی ماند و با موافقت اعضاء با رقم ۱۸ دلار، این مشکل نیز برطرف گردید و اجلاس اوپک با موفقیت به پایان رسید. اوپک گشایش بزرگی را پشت سر نهاد.

### قهرمان خلق ...

به دنبال ضربات سال ۵۵ رژیم شاه به سازمان، با توجه به شور و شعور توانایی که سازمان در اوپا قهرمان بود، در رابطه مستقیم با رهبری سازمان و به طرز مشخص با یکی از رفقای رهبری قرار گرفت. در شرایط سخت پس از ضربات، خدمات توفیق العباد در زندان به سازمانش کرد. در نتیجه امکانات و توانایی های شخص او و گروهش، ارتباط سازمان با دانشگاه های تهران گسترش یافت. هسته های دانشجوایی متعددی در دانشگاه های تهران از طریق ارتباط "دبه ای" به گروه و مربوط بودند. با توجه به تئوری مردمی و متواضع صمد، سازمان توانست از طریق او نخستین هسته های کارگری را در کارخانجات تبریز به وجود آورد.

نقش صمد در جنبش خراج از محدوده تهران از قهرمانی برجسته زندگی او است. در سال ۵۶ - که جنبش زحمتکشان مناطق خراج از محدوده تهران آغاز شد - صمد در آن شرکت کرد. بخش عمده کتاب "گزارشاتی از مناطق خراج از محدوده کسپس از انقلاب انشأ و پیرونی یافت، توسط صمد تهیه شده بود. در مرحله شیراز نونا مک، چند تن از زحمتکشان برای مبارزه با عوامل شاه که قصد تخریب شاه را داشتند، شبی در خانه ای هم قسم شده بودند. صمد به طور غیر مستقیم رهنمودهای لازم را به آنان می داد. در جنبش زحمتکشان حمله کاظم آباد - شمش آباد، حمله مجیدیه، صمد شخصاً در رأس جنبش بود. تمام نامه های که زحمتکشان به شهرداری و شاه و دیگر مقامات نوشته اند، توسط صمد نوشته شده اند. روزی که مردم کاظم آباد شمش آباد به کاخ نیاوران رفتند و پس از حدود ۲۰۰ متر پیاده روی در نزدیکی کاخ، با مورین رژیم خطر کردند که اگر قدمی دیگر برداشته شود، شلیک خواهد کرد. صمد ناچار جلو می آمد. مردم از او خواستند که به عنوان نماینده شان با رژیم مذاکره کند ولی به توصیه او همه پذیرفتند که فردی را به عنوان نماینده معرفی نکنند. صمد سال ۵۶ را بدون آرا و قورقار، وقف جنبش حاشیه نشینان، جنبش دانشجویی و سازمان ندهی جنبش کارگری تبریز کرد. مدامیان تهران و تبریز در حرکت بود. شب همراه اعلامیه و کتابها را می تبریزی می گشت، گزارش می گرفت، رهنمود می داد و صبح روز بعد راه می تهران می شد. او علیرغم وظایف رهبری مبارزه در عین حال در تهران نیز شخه همراه و علنی جنبش اعلامیه بخش می کرد. صمد مبارزه مخفی و علنی را استادانه تلفیق می کرد. او ضمن مبارزه مخفسی، در کارخانه صدوق نوساز که به پزان، یک شرکت نسبتاً باسور و چند شرکت کوچک نیز قرار می گرفت.

صمد از برجسته ترین تئوری های مردمی سازمان بود. او به راحتی به دلیل مردم رها می یافت. کاروانی و شوخ طبعی، تواضع و شجاعت از خصایل برجسته او بود. استاد تلفیق کار مخفی و علنی بود. در خانه تئیم گرو صمد در دوره شاه، به جز تبریز تخت خواب همه چیز در اختیار همسایه ها بود. در همین خانه یک بار سینه زنی را شور از طرف مردم محل برگزار شد و با دیگر گروه ها قریباً عید را در همین خانه سر بریدند. او هر آنجا که لازم بود، علناً وارد صحنه می گشت. با اعلامیه انجمن دفتر حزب رستاخیز صمد و رفقایش در روز روشن در بازار تهران را بخش کردند. صمد، در خیزش خودی سال ۵۷ فعالانه شرکت کرد. در جریان قیام و تخریب دکان های تهران از سازمانگران بود.

درگیری بزرگ اوپک به دنبال دواجلاسی مورتنی تا موفق وزرای نفت کشورهای عضو اوپک بود که با حضور عده ای از نمایندگان کشورهای صادر کننده نفت غیر اوپک در ماه های اردیبهشت و خرداد سال جاری تشکیل گردید. عده ای پیشنهادی که عذوبه را به عایت سهمیه های تولید تعیین شده، با عایت شدت سقف تولید نفت این کشورها در مجموع ۲۲ تا ۲۴ میلیون بشکه در روز بود. این مقدار نفت در شرایط تولید گردیده که تقاضای این کشورها حدود ۱۹ میلیون بشکه در روز بود. این حد تولید به منظور تأمین نیازهای انرژی بسیار اساسی کشورهای عضو اوپک صورت می گرفت. این کشورها عموماً دچار کمبود انرژی عظیم بوده و به علاوه کوهستان، اما حاصل این اقدام، کاهش با زهم بیشتر بهای نفت بود که در عمل به کاهش جدی درآمدهای آنها انجامید. عدم توافق کشورهای ما درکننده نفت عضو اوپک به دلیل استراتژی جدید نفتی عربستان سعودی و برخی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مبنی بر پایان دادن به اشتغال نفت و نیز منافع منافع ایران و عراق بر سر مقدار سهمیه تعیین شده هر یک بود. عراق خواستار سهمیه ای مساوی با ایران گردیده بود در عمل نیز عربستان و کویت با صدور نفت منطقه بی طرف به حساب عراق، علاوه بر تولید داخلی این کشور، سهمیه آن را به حد سهمیه ایران رساندند. عراق در سال های اخیر به هیچ وجه حاضر به تمکین به مصوبات اوپک نگردید. البته دیگر کشورهای اوپک نیز در عمل سهمیه های تعیین شده را رعایت نمی کردند. این منافع تا آنجا پیش رفت که تا خیزش عراق و سپس عربستان از اوپک

سازمان پس از قیام صمد را با توجه به موقعیتش در تبریز، به زادگاهش اعزام کرد. او از سازمان در آن ستاد فداییان در تبریز و از اعضای برجسته شاخه آذربایجان بود. صمد در تبریز با توجه به بیشتری به جنبش کارگری پرداخت. به استکار او از اوایل سال ۵۸، جلسات عمومی کارگران را عقلمند به مسایل کارگری و مدنی بعد "هسته های کارگری" شکل گرفتند. علیرغم کار توفیق العباد به زودی که به تبریز رهبران سازمان در آذربایجان وجود داشت، او حتی جزئی ترین مسایل هسته های را به تعقیب می کرد. حتم فراوان کار رسیب تشکیل "کمیته کارگری" کرد. صمد نیز کارگران کمیته بود. جنبش کارگری تبریز در سال های پس از انقلاب تحت نظارت مستقیم او رشد کرد. در نهایت اعتصاب پیروزمند کارگران کاظم آباد و شمش آباد تبریز نقش درخشا اول داشت. آخرین کار او تلاش اعلامیه های که به امضای کارگران تبریز و انتشار می یافت، با او بود. او نقش بسیار برجسته ای در برگزاری جشن های اول ماه مه سال ۵۹ - ۵۸ تبریز ایفا کرد. سرودی که در این روزها در خیابان های تبریز توسط تنه های کارگران شرکت کنندگان، در طنین افکند، با پیشگامی او تهیه شد. آن روز که سیل کارگران تبریز، سرود تهیه شده سازمان را با یکبارگی قریباً می زدند، صمد نیز با روی خندان پای می گوید:

بیرلشین، بیرلشین دنیا نین کارگرلری  
بیرلشین، بیرلشین آذربایجان کارگرلری  
بیغیشین، بیغیشیق، شوروا قورواخ

او را به حق سازمان دهنده جنبش کارگری آذربایجان نام داده اند. صمد محبوب سازمان، محبوب کارگران بود. صمد در سازمان ندهی انتشارات مخفی شاخه و در توزیع، نقش درخشا اول بازی می کرد. سازمان ندهی جا بخانه مخفی مستقیماً بردوش او بود و توزیع عمده را خود او انجام می داد. در نتیجه مساعی صمد، علیرغم تمام تلاشهای دشمن، انتشارات مخفی سازمان در تبریز از ضربه دشمن مصون ماند.

کمیته کارگری که صمد در رأس آن بود، در سال ۵۹ با ازجود شدن چند رفیق دیگر به کمیته تبریز تبدیل شد. کنفرانس ایالتی آذربایجان که در همین سال تشکیل شد، او را به اتفاق آرا به عضویت در کمیته ایالتی آذربایجان انتخاب کرد. در انتخابات کمیته به عنوان عضو هیئت اجرایی کمیته ایالتی برگزیده شد. او دبیر دوم ایالت، دبیر اول کمیته ولایتی تبریز، مسئول شعبه تشکیلات ایالت و کمیته بود. در سال ۶۱ از طرف هیئت اجرایی کمیته آذربایجان به نامزدی عضویت در کمیته مرکزی سازمان معرفی گشت و سپس به عضویت در کمیته مرکزی پذیرفته شد. تا ضربه تا اوایل سال ۶۲ صمد به طور خستگی ناپذیر و شبانه روزی به وظایف انقلابی خویش عمل کرد.

در مقطع ضربات سال ۶۲ او همچون ندری که زاده خویش را در خطر هلاکت ببیند، تمام تلاش خود را به کار برد تا سازمان را از زیر ضرب خارج سازد. در اوایل سال ۶۲ ناگزیر در کرج مستقر شد. مسئولیت آذربایجان را بر دوش گرفت. او سپس به تهران رفت و در آن شرایط خطیر، تشکیلات سازمان را در آذربایجان و شمال هدایت نمود. دشمن که از حواس نفی او و در سازمان مطلع بود، با وسواس برای دستگیری او تلاش می کرد. او با ردا از جنگ مزدوران رژیم گریخت.

بر سر زبان ها افتاد. در نتیجه این برخورد ها اساساً خود این کشورها منفرد گردیدند. ضروری بود تا اقدامات جدی برای مقابله با بحران صورت گیرد و این امر زمینه ساز توافق اخیر و زاری نفت کشورها و عضو اوپک گردید.

تا تشریفات های اجلاس اخیر اوپک در بازارهای نفت جهان، افزایش بلافاصله بهای نفت برنت نفت دریای شمال و نفت سبک دومی، هر یک به میزان ۱/۴ دلار در بشکه بود. اما آرایش در کشورهای نفتی آذربایجان به جهت تعیین شده و یک یعنی ۱۸ دلار برای هر بشکه خواهد رسید؟ این امر تا حد زیادی به این بستگی دارد که اعضای اوپک به توافق حاصله مستعد می مانند. تاکنون که چنین نبوده است، پای بندی به توافق های صورت گرفته، عمده ترین مسأله ای است که اینک در مقابل اوپک قرار گرفته است. تنها با رعایت دقیق این توافق ها امکان دست یابی به اهدافی که اوپک در مقابل خود قرار داده است، وجود خواهد داشت و منجر به تحکیم این سازمان خواهد گردید.

همانگونه که در شما ره قبل اظهار داشتیم و اذعیت تبریز را آشکارا نمود، تنها اوپک قادر است علیرغم تضامی از فعالیت خود، بحران را حاکم بر بازار نفت را حل نماید و منافع کشورهای ما درکننده نفت را در مقابل انحصارات بزرگ نفتی امپریالیستی تا مین و تضمین با دستورات اخیر آنها گامی در این راستا است. آیا این گام زمینه ساز موفقیت های تازه ای خواهد بود، یا صرفاً روی کاغذ خواهد بود؟ با دیدار انتظار تحولات بعدی در اوپک بود.

مقطع سال ۶۲ از فرازهای برجسته زندگی صمد بود. او مظهر اعتماد دین نفس، شجاعت، هشیباری و فداکاری می بود. او بر رفتار خویش، روح پایداری را در رفتارش می دید. بیانش از آن روح پندیده حفظ جان رفیقانش بود. بارها بر سر قرار مشکوک می رفت، تا رفیق دیگری از آلودگی قرار مطلع سازد، بارها قبل از اجرائی قرار رفیقانش، محل قرار و مسیر حرکت رفیقانش را چک می کرد تا همزمان نشن مورد هجوم دشمن قرار نگیرند. او مدامی گفت: "تجرب دوست نداشتیم در شورش و سولوی انگروری دستگیر شدیم می خواهیم در خیابان به قیام کشانده نشانه "بیچ اوین" جقدر بی معنی است. می خواهیم آنها به قیام کشانده از کمونیست های ایران تا پای حسان از آرماتشان دفاع می کنند. مرگ را می بپذیرند و وقت و ذلت را هرگز".

فعالیت توکل العاده صمد، حساسیت نفس او، شجاعت بی باکی، بیش از حد او، از یک طرف و تلاش پلیس برای دستگیری او را انجام به دستگیری اش انجام میداد. او در تاریخ ۲۹ بهمن سال ۶۲ در تهران، در سر قرار، دستگیر شد. او از این لحظه بزرگ دیگری در حیات این انقلابی بزرگ گشوده شد. زرمین از دستگیری او بلافاصله و حتی نه ترین شکنجه ها را در مورد او به کار گرفت. ولی جواب صمد "نه" بود. از دهها قرار، از دهها امکان، که حتی می دانست تخلیه هم شده اند. از اطلاعات وسیع سازمانی او، پلیس حتی به یکی راه نداشت. ۹ ماه پس از بازداشتش که خبر دستگیری به خانواده اش رسیده بود، روشن شد که جز نام او نامی و خلق سازمانش را جزید دیگری نگفته است. جلادان بیکرمقا و مشش را زیر شکنجه می زدند، ولی او به پیمان نش با خلق سازمان پشت نکرد. او که همواره در خطر اعدام بود، بی آرا و موقر را مبارزه را حتی در شکنجه ها همسایه می گرفت. او را بارها با اسیران تشکیلاتی از او جدا شدند. روبرو گردند ولی ناصح شکسته گان راه را درست نکرد. صمد از آخرین آزمون انقلابی سر فراز بیرون آمد. بیکرش را صدها بار در هم دریدند ولی روحش تسلیم پذیرا نمی ماند. او در تمام اعترافات سال ۶۶ و در تمام جنبش زندانیان سیاسی تا لحظه شهادت، از صحنه انانیت و توریت و صمد او از سازمانگران اصلی بود. زندانیان که صمد را در این سالها دیده اند، از صمد به عنوان "یک کوه یاب" کرده اند.

صمد در بیاض سال ۶۷ به همراه با ران دیگرش به دست جلادان رژیم جمهوری اسلامی ایران به خون غلیظ، انسانی شریف، فقها و دوستان انقلابی ای شجاع و سخت کوش و فداکار، گوهری کمیاب گمشده های جنبش آزمان ما رفت. انسانی شریف، با زمانه برجسته کمونیستی خستگی ناپذیری قرار، رهبر کارگران تبریز، فاتح زندان های خصی، زاردار خلق و سازمان فرزند دلاور شهروادین تبریز، با سادارست دلاوری های با یک وستار روحیدر، رفیق صمد سلامی ظاهر می شد. جاودانه شد.

فداییان خلق و کارگران تبریز - آنگاه که از جنبش سخنی به میان آمد، صمد را یاد خواهد کرد و با افشاندن اشکی منتها را از گره خواهد کرد. بیاد او الهام بخشان خواهد گشت. گرامی می بداند. پررو هر یاد را هشت.



## در این بن بست

به اندیشیدن خطر مکن.  
روزگار غریبیست، نا زنین  
آن که بر درمی کوبد شبها هنگام  
به کشتن چراغ آمده است.  
نور را در پستوی خانه نهان نباید کرد  
آنک، قصا با نند  
بر گذرگاهها مستقر  
با کنده وسا طوری خونالود  
روزگار غریبیست، نا زنین  
و تبسم را بر لبها جراحی می کنند  
و ترانه را بردها ن  
شوق را در پستوی خانه نهان نباید کرد  
کباب قناری  
بر آتش سوسن ویا س  
روزگار غریبیست، نا زنین  
ابلیس پیروزمست  
سورعزای ما را بر سفره نشسته است.  
خدا را در پستوی خانه نهان نباید کرد

دهانت را می بویند  
مبادا که گفته باشی دوستت می دارم  
دلت را می بویند  
روزگار غریبیست، نا زنین  
و عشق را  
کنا رتیرک را هبند  
تا زیانه می زنند.  
عشق را در پستوی خانه نهان نباید کرد  
در این بن بست کج و پیچ سرما  
آتش را  
به سوختن رسود و شعر  
فروزان می دارند.

احمد شالمو

قضیه نه تنها استمرار دارد، بلکه قبل از جنگ وجود داشت و الان هم وجود دارد و در آینده هم وجود خواهد داشت و بر شدت آن افزوده خواهد شد. جنگ در کردستان از نظر زمانی جلوتر از جنگ ایران و عراق وجود داشت، اما چنانچه قبلاً ذکر کردیم، جنگ ایران و عراق به ما نتایج پدید آورده‌ای مانع از هویدا شدن خطت ترقی خواهانه این جنبش در برابر افکار رعمومی جهان و دوستان خلق کردند. در شرایط فعلی این امکان وجود دارد که این قضیه جایگاه واقعی و ابعاد حقیقی خود را به مثابه ساله یک ملت با زیاده‌بویایی که مثل تمامی خلق های جهان جایگاه واقعی خود را اشتهال کند...

در این شکی نیست که ساله کرد، فقط یک ساله ملی در داخل یک کشور کثیرالمله نیست بلکه ساله کشور و خلقی است که با کمترین برآورد هسا بیشتر از ۲۰ میلیون نفر جمعیت دارد، و بین چند کشور تقسیم شده است. در حالی که از نظر حقوق ملی در محرومیت کامل و بیسرمی برده.

بنابراین خط فاصل بین هر جز، از کردستان یک خط سیاسی خیالی است. زیرا مناطق داخلی هر جز، از کردستان بخشی از جز، دیگران است بدون هیچ مانع طبیعی و ملی، بنابراین چنین نیست که ساله کرد، ساله بخشی از ملت است، که اکثریت و یا جزئی از آن از حقوق کامل برخوردار است و یا دولت ملی مستقلی دارد، کما اینکه چنین حالتهای دردنیای امروز فراوان است. بسیاری مثال علی‌رغم وجود جمهوری سوسیالیستی آرمستان میلیونها ارمنی دردنیای برانگنده هستند و یا ساله ملی محارها علی‌رغم وجود جمهوری مجارستان و یا اقلیت سوبالی دریعضی از کشورهای آفریقا، علی‌رغم وجود کشور سوبالی...

از این نوع مثال فراوان است. این نصیب خلق کردند که همه کردها در خارج از کشور سیاسی و احکامات ملی به سر بر نداشتن این خلق همه نیروی خود را در راه تامین حق تعیین سرنوشت خویش بکار گیرند. برای دشمنان خلق کسرد مناسب این بود و هست که هر جز، از جنبش ملی کرد را از جز، درگیر متفک و منفرد کنند، آنچه روشن است این است که مصلحت کشورهای بی که کردستان را ما بین خود تقسیم کرده‌اند، ایجاب می کند که این کشورها برای قلع و قمع جنبش ملی خود تقسیم کار بکنند. لازم به تذکر است که منهای مرزهای مناطق هم‌جوار اتحاد شوروی، کردستان با هیچ کشوردوست و حتی بی‌طرفی مرز مشترک ندارد.

من به این دلیل به این حقایق روشن اشاره می کنم تا آنها بی که با این قضیه بی‌توجه دارند، به خصوص و عمومیت ساله کرده فقط در آینده، بلکه از همین الان توجه کنند. این امر به عمق و غنی و وسعت جنبش خلق کسرد و وحدت نیروهای آن و وحدت آن با جنبش دمکراتیک در داخل هر کشور یعنی جنبش دمکراتیک در کشورهای ایران و عراق و ترکیه بستگی دارد. در اینجا اهمیت دارد که به نقش احزاب طبقه کارگر در سه کشور مذکور و ضرورت رابطه با جنبش ملی کرد در داخل هر یک از آنها اشاره شود، در آخرین تحلیل برخورد با این جنبش، ساله و وظیفه این احزاب است، نبایستی از این دلگیرند، اگر

گفته شود که بعضی از ما به مجرد اینکه بعضی از فرمول های خام و درست در این خصوص را در برنا می‌دهای خود ذکر کردیم از خود ما راضی و خوشنود شده و وظایفمان را در این زمینه تمام شده تلقی می کنیم. در حالی که وظایفمان از این بسیار فراتر است، ما نبایستی که در راه تامین حقوق کامل برای خلق کسرد درگیران نیرو دلاورانه شده و رهبری آنرا بدست بگیریم. جنبش رهایی بخش خلق کرد، نیروی انقلابی بزرگی در کل منطقه است. حال به این بستگی دارد که ما بتوانیم آن را درک کرده و از آن بهره بگیریم...

نوامبر ۱۹۸۸

توجیه می کرد، جنگی که هدف آن از بین بردن خلق کرد عراق بود. روشن است که ساله کرد قبل از جنگ ایران و عراق و مستقل از آن وجود داشته و دارد، اما با توجه به این نکته ضروری است که بعضی از عوامل عینی مستقل از سیاستها، توان و امکانات احزاب کرد در وی ساله کرد تا شبر می گذارد و ابعاد قضیه را از چارچوب کردستان فراتر می برد. منظورم جغرافیای سیاسی کردستان است، زیرا این ساله به میزان زیادی به جغرافیای سیاسی وابسته است. حکومت‌هایی که کردستان را بین خود تقسیم کرده‌اند، زیرا به این ساله به اندازه استفاده‌ای که از آن می‌برند توجه می‌کنند. این طبیعتاً بر ضرورت دستاوردی است که خلق کرد در یکی از این کشورها کسب می‌کند، زیرا به نمونه و محرکی برای کل قضیه تبدیل می‌شود.

سؤال - اطلاع دارید که مذاکرات جاری بین دور ژیم در مورد صلح توان مشکلاتی است و به‌کندی پیش می‌رود، رژیم ایران روی اجرای مواد قطعنامه ۵۹۸ به ترتیب اصرار دارد و خواهان این است که اساس مذاکره با رژیم عراق قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر باشد، حکومت عراق نیز بر این قضیه تاکید دارد که مذاکره درباره اروند رود و لایروبی فوری آن مقدم بر سایر مواد باشد و اروند رود به عنوان آبراه بین المللی پذیرفته شود، نظر شما در مورد دلایل کنسیدی مذاکرات چیست و چشم‌انداز چگونه می‌بینید؟

رفیق عزیز محمد: این درست است که روند مذاکرات به‌کندی پیش می‌رود، بعد از آن همه مسایلی که بین دو کشور، رخ داده است، این ساله تعجب‌آور نیست، جدا از اختلافات تاریخی و مشکلات جدی و رسوبات قدیمی و بعضاً مزمن، جنگ ۸ ساله هم برداشته‌ای اختلافات افزوده است، آنچه که برای ما اهمیت دارد، بکار گرفتن راه‌های مسالمت‌آمیز برای حل مشکلات فیما بین دو کشور است. حال این راه هر قدر می‌خواهد طولانی باشد و یا مذاکرات بی‌نتیجه و پیچیده شود. به نظر می‌رسد که مسئولینی که در برپا کردن جنگ وادامه آن دست داشتند، تحت تاثیر جنایتی که از طریق جنگ در حق مردم مرتکب شده‌اند و فاجای هولناکی که نسبت به مردم دو کشور روا داشته‌اند، درین‌های تلخی گرفته‌اند که آنها را از فکر کردن به جنگ دور می‌کند. هر دو طرف قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را قبول دارند، اما هر یک از آنها از این قطعنامه تفسیر خاصی می‌کند. حداقل در مورد مرزهای بین المللی وضع چنین است. کدام مرزها؟ مرزهای قبل از قرارداد الجزایر و یا بعد از آن، البته ما معتقدیم که این قرارداد منطقی قرار داد الجزایر است، امتیازی خائنه به رژیم شاه توسط حکام عراق بود، امتیازی که سرکوب مبارزات خلق کرد به رهبری زنده باد ملامطقی با رزانی را مدنظر داشت. اما آیا اختلاف بر سر این ساله و یا هر موضوع دیگری، نبایستی بر سر راه از بین رفتن حالت جنگی بین دو کشور مانع ایجاد کند؟ خیر ما به موضوع این چنین نگاه نمی‌کنیم، مذاکرات هر قدر می‌خواهد طول بکشد، نبایستی عامل زمان هم مثل تمامی شیوه‌های مسالمت‌آمیز دیگر در حل این اختلافات موثر واقع شود.

سؤال - علی‌رغم توقف جنگ ساله ملت کرد که یکی از مسایل حاد و بحرانی منطقه است، آیا امکان دارد که در آینده این ساله از یک ساله منطقه‌ای محدود به ساله بین المللی تحول پیدا کند؟ آیا فکری کنید که این ساله در سازمان ملل متحد مورد بحث واقع شود؟  
رفیق عزیز محمد: به علی‌رغم پایان یافتن جنگ !! من دوست دارم که این جنبش جواب را شروع کنم، صحیح این است گفته شده که با متوقف شدن جنگ این

قطعنامه شرکت کنندگان در تظاهرات ۱۰ دسامبر ۱۹۸۸، روز جهانی حقوق بشر، در اعتراض به

### قتل عام زندانیان سیاسی ایران

است. به همت این کانون های مبارزه، در روز ۱۹ آذر چهلمین سالگرد صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر و در اعتراض به کشتار فجیع اخیر زندانیان سیاسی ایران، اجتماع بزرگی از ایرانیان مهاجر در بیست تشکیل گردید. در این اجتماع بزرگ حضار با رژیم فاشیستی دربار پادشاهی ایران که سینه محافل دمکراتیک رسیده بود، صراحتاً در زیر متن این قطعنامه به اطلاع هموطنان می رسد:

- ... ما خواستار لغو مجازات اعدام هستیم.
- ... ما خواهان آنیم که دولت ها به هر شکل ممکن رژیم جمهوری اسلامی را زیر فشار بگذارند تا بیش از این مانع سفر هیئت های بازرسی کننده زندانیان سیاسی ایران نشود.
- ... ما خواستار آنیم که هیئت های از جانب مراجع بین المللی برای بررسی وضع زندان ها و تهیه گزارش از گورهای دسته جمعی و دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران اعزام شوند.
- ... ما از رسانه های گروهی آلمان و جهان می خواهیم اخبار جنایت های رژیم جمهوری اسلامی را در سراسر جهان بازتاب دهند.
- ... ما دروغ بزرگ مسئولین جمهوری اسلامی در تکذیب قتل عام زندانیان سیاسی ایران را افشا و به شدت آن را محکوم می کنیم.
- ... سکوت در برابر جنایت های بی شمار جمهوری اسلامی از طرف محافل بین المللی، تا شید تلویزی این جنایات است. و ما این سکوت را محکوم می کنیم و تا گرفتن نتیجه قطعی که همان قطع اعدام ها و شکنجه و آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی ایران است به مبارزه خود ادامه خواهیم داد.
- ... ما از شما هموطنان آزاده خواستاریم، تمام بتکارات خود را در جهت دفاع از زندانیان سیاسی ایران متحداً به کار گیرند.

کمیته سرگازی تظاهرات ۱۰ دسامبر  
روز جهانی حقوق بشر  
منتخب ۲۰ سازمان دمکراتیک

### محکومیت جنایات رژیم در سازمان ملل

رژیم جمهوری اسلامی برای پنجمین بار سه خاطرنقض ضمن حقوق بشر، قتل عام زندانیان سیاسی و مخالفان عقیدتی، در سازمان ملل متحد محکوم گردید. در قطعنامه سازمان ملل متحد، اعدام های زندانیان سیاسی در شهرهای مختلف کشور به وسیله رژیم ایران شدیداً محکوم شده است. در قطعنامه موارد گسترده نقض حقوق بشر در رژیم ایران از جمله در موارد مربوط به اعدام، شکنجه و شکنجه وحشیانه و غیر انسانی زندانیان، نقض ضمن حقوق آزادی و امنیت فردی، حق محاکمه عادلانه، حق آزادی فکری و عقیده مورد تاکید قرار گرفته است. سخنگوی عضوین الملل در مصاحبه خود بیرامون توضیح قطعنامه، اعدام گسترده و بینهایتی مخالفین سیاسی حکومت ایران را حقیقتی غیر قابل انکار خواند و اظهار داشت با استناد به غیبت مختلف از جمله از بان بستگان اعدام شدگان نسبتی از آنها بیش از ۳۰۰ نفر از اعدام شدگان تهیه شده است که این تعداد تنها بخش کوچکی از اعدام های سیاسی چند ماه اخیر را شامل می شود، رقم حقیقی اعدام شدگان بر سه ۱۰۰۰ نفر می زند. علیرغم دروغ پردازی های رژیم در راستای حقوق بشر، قطعنامه سازمان ملل، سند جدیدی در محکومیت رژیم در مقیاس بین المللی است.

### شادباش سال نو به هم میهنان مسیحی

هم میهنان مسیحی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، آغاز سال نو میلادی را به شما صمیمانه شادباش می گوید. آرزو داریم سال جدید میلادی، سال مبارزه گسترده تر هم میهنان مسیحی و همه مردم ایران علیه رژیم استبدادی ولایت فقیه، برای تأمین آزادی و صلح پایدار در کشور باشد. با آرزوی آن که این مبارزه، راه زندگی سعادت مندانه در ایران طی صلح میز، دموکراسی، مستقل و آزاد استمطیقاتی، ملی مذهبی و فرهنگی را که هدف و آرمان ما است، هموارتر کند.

سازمان فدا بیان خلق ایران (اکثریت)  
آدرس  
PI.10  
1091 WIEN  
AUSTRIA

خارج کشور شده و آنان را در اتحاد علیه رژیم مسموم تر کرده است. احساسات مشترکی که شکل گرفته با به طور مشکل های دمکراتیک شده است که سه سرعت با می گیرند و هر یک بخشی از ایرانیان مهاجر را متشکل می کنند و در مجموع نیروی بزرگی از اعتراض و مبارزه را علیه رژیم متحد می سازند. این حرکت امیدبخش و آینده آفرین، نخستین شمرات خود را به بار آورده است. در میان صدها اعتراضی ایرانیان مهاجر، بزرگ ترین اعتراضات به سه وسیله حرکت هماهنگ همین شکل ها سازمان یافته

در مقابل به ما دمنشوها و خمینی علیه زندانیان سیاسی ایران، در اعتراض به قتل عام فرزندان دلاور خلق در زندان ها، برای برانگیختن اعتراض جهانی علیه فاجعه ملی که هنوز در میهن ما در جریان است، ایرانیان مهاجر در کشورهای مختلف جهان به تلاش عظیمی دست زده و با برپا کردن تظاهرات، اعتصابات غذا، تحمن و غیره، جهان را به امداد می طلبند. خون هایی که در سیاه چال های رژیم به زمین می ریزد، رشته سرخ اتصال نیکدلان ایرانی را در هموطنان آزاده، ایشوریت ترقی خواه!

امروز، در روز جهانی حقوق بشر، گرد آمدیم تا جوج اعدام ها و قتل عام زندانیان سیاسی در شمای زندان های ایران توسط رژیم ترون وسطایی جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم.

اعدا دسته جمعی هنوز ادامه دارد. هنوز خبر اعدام ها و دستگیری های جدیدتری به ما می رسد. اگرچه اکنون حتی مجمع بین المللی، محافل سیاسی و دولت هایی که اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضا کرده اند از این امر آگاه شده اند، اما هنوز عمل قاطعی که بتواند جلوی کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی را بگیرد صورت نگرفته است.

هموطنان گرامی، بشریت آزادی خواه، مردم آلمان!

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، توسط دولت جمهوری اسلامی، بر اساس گزارشات کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، عضو بین الملل و رسانه های گروهی جهان، کشتار زندانیان به طور وحشیانه تری ادامه یافته است. ما به عنوان هموطنان، همدردان، بستگان و دوستان عزیزان در سراسر جهان در اینجا گرد آمده ایم، تا توجه و اعتراض افکار عمومی سازمان های بین المللی را نسبت به نقض ضمن حقوق بشر و قتل عام زندانیان سیاسی ایران برانگیزیم، ما شرکت کنندگان در حرکت اعتراضی امروز اعلام می داریم:

... ما خواستار قطع فوری قتل عام زندانیان سیاسی ایران و آزادی بی قید و شرط باقی مانده زندانیان هستیم.

### جهان در سالی که گذشت

سال ۱۹۸۸ میلادی روزهای پایانی خود را طی می کند. جهان یک سال پر تحول را از سر گذرانده است. سال گذشته، سال تلاش نیروها و کشورهای درگیر و دستگیر در بسیاری مسائل منطقه ای و عمومی جهان بود. پذیرش آتش بس توسط رژیم صهیونی در جنگ هشت ساله ایران و عراق، انعقاد قرارداد دژ نیویورک حل مسئله افغانستان، امضا مفاد و نامه های وکیل جهت آرام سازی منطقه جنوب غربی آفریقا، برداشتن گام های مثبت در راه حل مسئله کامبوج، اعلام کشور مستقل فلسطین و شکست شدن بین بست مذاکره در این رابطه، از جمله تحولات سیاسی مهم یک ساله اخیر بوده است. در این سال گذشته خلق فلسطین همچنان در راه کسب حقوق تعیین سرنوشت خویش قهرمانانه در زور میبند و قربانی داد، مبارزات مردم گره جنوبی، دیکناتور چون دو هوا را از آریکه قدرت باز پر کشید. در برمه سه تظاهرات و اعتصابات برای احیای دمکراسی در کشور، اما هم ادا شده است. در وچران سویا لیسیم مناسبات دو کشور بزرگ سویا لیسیتی، اتحاد ساد شوری و چین روزه بهبودی نهاد، کنفرانس مهم سراسری حزب کمونیست اتحاد شوروی در تیرماه تشکیل گردید و سایر کشورهای سویا لیسیتی از جمله چکسلواکی، بلغارستان، لهستان، یوگسلاوی و... به تمهیدات و تصمیمات تأییدیه ای در راستای سویا لیسیتی جامع دست یازیدند. برخی از رویدادهای مهم سالی که گذشت را مرور می کنیم:

### انعقاد قرارداد دژ نیویورک مسئله افغانستان

در ۲۵ فروردین، مذاکرات دو جانبه افغانستان و پاکستان که از شش سال پیش با میانجیگری سازمان ملل متحد شروع شده بود، به انعقاد قرارداد مهمی منجر شد. گرچه تاکنون طرف پاکستان از اجرائی آن سر باز زده و دولت آمریکا نیز به عنوان یکی از دو کشور بزرگ تضمین کننده قرارداد، در راه آن کار شگنی کرده و می کند، ولی این امید هنوز قطع نشده است که در صورت اجرائی مفاد آن که طرف های افغانستان و اتحاد شوروی به آن وفا داده اند، معضل افغانستان در مسیر حل قرار گیرد. با پیوستن منتظر بود که تا سببی نظریوتو، نخست وزیر جدید پاکستان، تا چانه انداز به اجرائی مفاد قرارداد پاکستان با بیند می ماند. نکته نگرانی آور آنکه بی نظریوتو علیرغم اعلام پذیرش قرارداد دژ، با راه اعلام داشته است که دولت پاکستان به کوشش های خودیسه نیروهای ضد انقلاب افغانستان ادامه خواهد داد. پیروزی خلق فلسطین

خلق فلسطین که در راه کسب حق تعیین سرنوشت و حفظ موجودیت خود با همه نیروها و مکان به

میدان آمده است، یک سال گذشته، صدها قربانی و هزاران زندانی از طرفی و اعلام تشکیل کنسور مستقل فلسطینی از طرف دیگر، کارنا مه و حاصل این ناپروخته تالی جان است. علیرغم موانع سنگینی که در راه دستیابی موجودیت خلق و کشور فلسطین در دستگاه دولتی آمریکا وجود دارد، این قیام یک ساله مردم فلسطین بوده است که آمریکا را به عقب نشینی و بهای میزبانی کرده است. در طول این مدت به اعتبار با برمی رقی خلق نهمان فلسطین، اهمیت و اعتبار رجحانی سازمان آزادیبخش فلسطین بیشتر شده و وحدت درونی آن مستحکم تر گردیده است.

### تیراز ادا استقلال تا میبیا خروج نیروهای کوبا و آفریقای جنوبی از خاک آنگولا

در طی سال گذشته، چندین بار هیئت های نمایندگی کشورهای آنگولا، کوبا و آفریقای جنوبی و همچنین آمریکا برای بیدار کردن راه حلی برای آرام سازی اوضاع در جنوب غربی آفریقا به مذاکره نشستند. ماه گذشته مفاد و نامه های توسط هیئت های مذکور در برابر وکیل به امضا رسید که از وکیل آذر سال آینده به اجراء در خواست شد. طبق این قرارداد تا میبیا استقلال می رسد. آفریقای جنوبی از دخالت در اوضاع آنگولا حمایت از شورشیان این کشور خودداری می کند و نیروهای کوبا بی مستقر در خاک آنگولا به میهن خود عودت داده می شوند. پایا ن گرفتن جنگ داخلی در آنگولا استقلال نایمیبا، یکی از کانون های درگیری منطقه ای واقع عادی خود را با زمی با سد مردم آن در شرایط جدید فرست خواهد شد با بهره گیری از استعدادها و امکانات موجود، سرنوشت خود را رقم زنند و دوره بهیشت سرزمینشان را هموار سازند.

### ادامه روند نوسازی در کشورهای سویا لیسیتی

در سال گذشته، روند نوسازی انقلابی در جامعه کشورهای سویا لیسیتی: اتحاد شوروی، چین، چکسلواکی، بلغارستان، یوگسلاوی، لهستان و... آغاز بیشتر می یافت. در تیرماه سال جاری، نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب کمونیست اتحاد شوروی با تصمیمات مهمی در راه مبارزه با بوروکراسیسم و تأمین اعمال اراده مردم تشکیل گردید. فضایی دمکراتیک حاکم بر کنفرانس در ۶۰ سال اخیر بی سابقه بوده است. در کنفرانس سراسری و بلنوم های احزاب کمونیست در چین، چکسلواکی، بلغارستان، لهستان و... به تمهیدات جارسازی در جهت گسترش دمکراسی و بازسازی انقلابی و تحکیم سویا لیسیم در کشورهایشان دست زدند. در برخی از این کشورها، تغییراتی را در قانون اساسی در جهت پاسخ به الزامات رشد سویا لیسیتی جامعه و مقابل به عقب مانده گی ها ضرورت تشخیص دادند و نیز به تغییرات اساسی در ترکیب ارگان های رهبری حزبی و دولتی روی آوردند.

روز باد مبارزه خلق در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی!